

سرمقاله

مردم باید بتوانند نتیجه
را ببینند

نویسنده:

سجاد رحیمی مدیریسه
نویسنده و مشاور
حوزه مدیریت و کسب و کار

هفته دولت معمولاً فرصتی برای ارائه گزارش عملکرد دستگاههای اجرایی است؛ فرصتی برای آن که دولت از پروژه‌های افتتاح شده، برنامه‌های اجراشده، اقدامات انجام گرفته و دستاوردهای خود سخن بگوید. اما یک دولت زمانی می‌تواند از خدمت سخنان بگوید که این خدمت در زندگی مردم قابل لمس باشد؛ در سفره خانواده، در قدرت خرید، حقوق‌بگیر، در امنیت شغلی کارگر، در امکان سرمایه‌گذاری تولیدکننده، در قیمت کالا، در دسترسی جوان به شغل و در امید یک خانواده به آینده. پیام اخیر رهبر معظم انقلاب به مناسبت هفته دولت، از این منظر، صرفاً یک پیام تریبیک یا توصیه عمومی به مدیران دولتی نیست. در بخش اقتصادی این پیام، مجموعه‌ای از مسائل کلیدی کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که اگر دقیق خوانده شوند، می‌توانند به یک نقشه راه جدی برای تغییر رویکرد اقتصادی دولت تبدیل شوند؛ نقشه‌ای که نقطه آغاز آن نه شاخص‌های روی کاغذ، بلکه زندگی واقعی مردم است.

صفحه ۴

گرد و خاک بازار ارز فرو خواهد نشست

رئیس کل بانک مرکزی احتمال وقوع ابرتورم را ضعیف دانست و اعلام کرد: آمادگی داریم تا دو میلیارد دلار ارز در بازار عرضه کنیم و گرد و خاک ایجاد شده در بازار ارز فرو خواهد نشست؛ افزایش اخیر نرخ ارز نیز بیش از آنکه ناشی از عوامل واقعی باشد، تحت تأثیر فضای روانی است. به گزارش ایسنا، عبدالناصر همتی امروز (سه‌شنبه) در سی‌وششمین همایش بانکداری اسلامی اظهار کرد: حجم تحریم‌ها و محاصره اقتصادی...

قراردادی که با تورم زیان‌ده می‌شود

دام قرارداد ثابت

فرصت امروز: امضای قرارداد معمولاً لحظه‌ای است که مذاکره تمام‌شده تلقی می‌شود. قیمت مشخص شده، زمان تحویل تعیین شده و دو طرف تصور می‌کنند از اینجا به بعد فقط باید تعهدات نوشته‌شده را اجرا کنند. اما در اقتصادی که قیمت مواد اولیه، دستمزد، ارز، حمل‌ونقل و سایر هزینه‌ها می‌توانند طی چند ماه تغییر قابل توجهی داشته باشند، امضای قرارداد گاهی نه پایان ریسک بلکه آغاز آن است. رأی تازه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری درباره قراردادهای پیش‌فروش خودرو بار دیگر موضوع ثبات قرارداد را برجسته کرده است. براساس گزارش منتشرشده، قراردادهای پیش‌فروش منعقدشده پیش از تاریخ تعیین‌شده در مقررات جدید را نمی‌توان صرفاً به استناد تغییر بعدی قواعد، مشمول شرایط تازه دانست. اصل ماجرا در حوزه خودرو مطرح شده، اما پرسشی که پشت آن قرار دارد برای هزاران کسب‌وکار ایرانی آشناست: وقتی قراردادی امروز امضا می‌شود و شرایط اقتصادی فردا تغییر می‌کند، هزینه این تغییر را چه کسی باید بپردازد؟ این سؤال برای قراردادهای بلندمدت اهمیت بیشتری دارد. پیمانکار ساختمانی ممکن است امروز برای پروژه‌ای یک‌ساله قیمت بدهد، تولیدکننده برای تحویل چند ماه آینده قرارداد ببندد، شرکت فناوری قرارداد پشتیبانی سالانه منعقد کند یا فروشنده محصولی را برای تحویل آینده پیش‌فروش کند. اگر هزینه‌ها در میانه راه به شدت افزایش پیدا...

۲

بانک‌ها به سمت اقتصاد دیجیتال بروند

۳

مدیریت و کسب‌وکار

اگر سه کارمند شما سه جواب متفاوت می‌دهند
مشکل فروش از تبلیغات نیست

یک آزمایش ساده انجام دهید: از سه نفر در سه بخش شرکت بپرسید «ما دقیقاً چه کاری برای مشتری انجام می‌دهیم؟» اگر سه روایت متفاوت شنیدید، احتمالاً مشتری هم نمی‌فهمد چرا باید شما را انتخاب کند فرض کنید وارد شرکتی می‌شوید و از مدیرعامل می‌پرسید: «شرکت شما دقیقاً چه کاری انجام می‌دهد؟» می‌گویید: «ما راهکارهای جامع تحول دیجیتال برای کسب‌وکارها ارائه می‌کنیم.» همان سؤال را از فروشنده می‌پرسید. می‌گویید: «ترمزافزار مدیریت فروش می‌فروشیم.» از کارشناس پشتیبانی می‌پرسید. می‌گویید: «به شرکت‌ها...

۸

فرصت امروز
برای کسب وکار آفرینی

دولت پای کار مردم؛
روایت دفاع و سازندگی

هفته دولت و یاد و خاطره شهیدان رجایی، باهنر و رئیسی گرامی باد

شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر
راهکار عمومی و امور بین‌الملل
DEVELOPMENT is our belief

دولت
گرامی باد

هفته دولت فرصتی است برای پاسداشت خدمات بی‌وقفه دولت مردمی و تجدید میثاق با آرمان‌های شهیدان رجایی و باهنر؛ شهدایی که خدمت خالصانه به مردم را سرلوحه مسیر پرافتخار خود قرار دادند.

یاد و راهشان گرامی و خدمتگزاران ایران اسلامی پاینده باد.

خدمت،
سرلوحه شهیدان دولت

نگاه

گرد و خاک بازار ارز فرو خواهد نشست

رئیس کل بانک مرکزی احتمال وقوع ابرتورم را ضعیف دانست و اعلام کرد: آمادگی داریم تا دو میلیارد دلار ارز در بازار عرضه کنیم و گرد و خاک ایجاد شده در بازار ارز فرو خواهد نشست؛ افزایش اخیر نرخ ارز نیز بیش از آنکه ناشی از عوامل واقعی باشد، تحت تأثیر فضای روانی است.

به گزارش ایسنا، عبدالناصر همتی امروز (سه‌شنبه) در سی‌وششمین همایش بانکداری اسلامی اظهار کرد: حجم تحریم‌ها و محاصره اقتصادی اعمال شده علیه ایران بسیار گسترده است، اما تأمین ارز مورد نیاز کشور، نیازهای معیشتی مردم و نیازهای اولیه کارخانه‌ها واحدهای تولیدی قابل نادیده گرفتن نبود.

احتمال وقوع ابرتورم ضعیف است

وی افزود: حتی کارشناسانی که نگاه خوش‌بینانه‌تری داشتند نیز معتقد بودند با روند تشدید محاصره و جنگ، اقتصاد ایران ممکن است وارد مسیر ابرتورم شود. با وجود اینکه مردم از تورم رنج می‌برند و سنگینی آن را در زندگی خود احساس می‌کنند، هنوز وارد ابرتورم نشده‌ایم و احتمال وقوع آن را نیز ضعیف می‌دانم.

رئیس کل بانک مرکزی تصریح کرد: اقدامات پولی و احتیاطی بانک مرکزی باعث شد شتاب تورم کنترل شود. در شرایط فعلی مهم‌ترین وظیفه بانک مرکزی کنترل شتاب تورم و جلوگیری از ورود اقتصاد به مسیر ابرتورم است.

ارز داریم به قدر کافی هم داریم

همتی گفت: قاطعانه می‌گویم این ادعا که ایران وارد فروپاشی اقتصادی شده، درست نیست و فروپاشی اقتصادی نخواهیم داشت. وی تأکید کرد: روند وصول مطالبات و منابع ارزی ایران همچنان ادامه دارد و علاوه بر آن، از ذخایر داخلی نیز برخورداریم. همچنین منابعی در اختیار داریم که به دلایل مختلف امکان اعلام جزئیات آن‌ها وجود ندارد. رئیس کل بانک مرکزی خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا گفت: ایران ارز دارد و به قدر کافی هم دارد.

گرد و خاک ایجاد شده در بازار ارز فرو خواهد نشست

همتی اظهار کرد: دشمنان هر هفته تحریم جدیدی علیه ایران اعمال می‌کنند، اما سیستم اقتصادی کشور همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. رئیس کل بانک مرکزی گفت: آمادگی داریم تا دو میلیارد دلار ارز در بازار عرضه کنیم. همچنین گرد و خاک ایجاد شده در بازار ارز فروخواهد نشست و افزایش اخیر نرخ ارز نیز بیش از آنکه ناشی از عوامل واقعی باشد، تحت تأثیر فضای روانی است.

به دلیل حوادث جنگ، میزان بیکاری افزایش یافته است

وی گفت: همتی، از ابتدای سال تا ششم شهریور، حجم تسهیلات پرداختی شبکه بانکی به ۴۰۵۰ همت رسیده که ۶۹ درصد بیشتر از مدت مشابه سال گذشته است.

تمرکز جدی شبکه بانکی بر تأمین مالی تولید است

رئیس کل بانک مرکزی تأکید کرد: تمرکز جدی بانک مرکزی و شبکه بانکی بر تأمین مالی تولید است تا فعالیت واحدهای تولیدی دچار وقفه نشود. البته واحدهای تولیدی همچنان در حال کار و تلاش هستند و این تصویر که تولید در کشور متوقف شده، تصویر درستی نیست.

۷۰۰ همت تأمین مالی غیر تورمی تا پایان سال انجام می‌شود
همتی یادآور شد: در حوزه روش‌های غیرتورمی تأمین مالی تولید نیز اقدامات خوبی آغاز شده است؛ از جمله استفاده از ابرراهایی مانند گام، برات الکترونیکی و فکتورینگ که با هدف تأمین مالی تولید طراحی شده‌اند.

به گفته وی، از ابتدای سال تاکنون، ۲۲۴ همت از طریق این ابزارها تأمین مالی شده است؛ در حالی که این رقم در مدت مشابه سال گذشته تنها ۱۵ همت بود. همچنین برنامه بانک مرکزی، تأمین مالی ۷۰۰ همت از طریق روش‌های غیرتورمی است؛ به‌گونه‌ای که نیازهای مالی بخش تولید تأمین نشود، بدون آنکه فشار تورمی جدیدی به اقتصاد وارد شود.

او با اشاره به ضرورت حرکت نظام بانکی به سمت بانکداری اسلامی، اظهار کرد: بانکداری اسلامی همواره فرصت محترمی برای بازخوانی مسیر طی‌شده، ارزیابی اقدامات انجام‌شده و ترسیم مسیری است که باید در آینده طی کنیم.

رئیس کل بانک مرکزی با قدردانی از تلاش‌های انجام‌شده برای تلفیق شریعت با عملیات بانکی، افزود: نسبت به آنچه بزرگان و دوستان دنبال می‌کنند، هنوز فاصله داریم، اما همین که این تلاش همچنان برقرار است و ادامه دارد، جای تشکر دارد.

وی همچنین از شسوری فقهی و فقه‌ای این شورا به دلیل برگزاری جلسات منظم و نظارت بر فعالیت‌های بانکی قدرانی کرد و گفت: در قانون بانک مرکزی نیز بر تکلیف بانک مرکزی برای حرکت به سمت بانکداری اسلامی تأکید شده و ما موظف هستیم این موضوع را هم در جلسات و هم در اقدامات عملی بانک مرکزی پیگیری کنیم.

پنج محور اصلی بانک مرکزی

همتی با اشاره به وظایف بانک مرکزی در پنج حوزه مهم اقتصاد کشور، اظهار کرد: حوزه پولی، حوزه اعتباری، حوزه ارزی، تنظیم‌گری و نظارت بر بانک‌ها و اشخاص تحت نظارت و همچنین نظام پرداخت، پنج محور مهم فعالیت بانک مرکزی هستند.

وی با بیان اینکه نظام پرداخت‌ها مسئله بسیار مهمی برای بانک مرکزی است، افزود: این حوزه اکنون نیز معمولاً مورد هجوم دشمن قرار می‌گیرد و حفظ، استمرار و ایمن‌سازی آن در شرایط سخت فعلی، کار بسیار بزرگی است.

۲۰۱ کوادریلیون، ارزش تراکنش‌های نظام پرداخت کشور
رئیس کل بانک مرکزی اعلام داد: در سال گذشته حدود ۲۰۱ کوادریلیون حجم و ارزش تراکنش‌های نظام پرداخت کشور بوده است و حفظ و ایمن‌سازی این حجم عظیم از تراکنش‌ها در شرایط فعلی، نیازمند اقدامات گسترده‌ای است.

همتی تأکید کرد: چهار حوزه دیگر یعنی حوزه پولی، ارزی، اعتباری و تنظیم‌گری نیز از کارهای بسیار مهم بانک مرکزی هستند که مستقیماً با زندگی روزمره اقتصادی مردم در ارتباط‌اند و هرگونه خلل در آنها می‌تواند بر زندگی اقتصادی مردم تأثیر بگذارد.

تلاش برای جلوگیری از فروپاشی اقتصادی

وی با اشاره به شرایط جنگی، تشدید تحریم‌ها و محاصره اقتصادی، گفت: بانک مرکزی در این شرایط تمام تلاش خود را برای ایجاد و حفظ پایداری پولی و مالی کشور انجام داده است.

ادامه در صفحه ۲

قراردادی که با تورم زیان‌ده می‌شود

دام قرارداد ثابت



سود مورد انتظار دارد. حاشیه سود حدود سه درصد است. کافی است هزینه اجرای پروژه چهار درصد بیشتر از برآورد شود تا کل سود از بین برود و پروژه وارد زیان شود. در مقابل قراردادی با حاشیه ۱۵ درصدی توان بیشتری برای جذب شوک‌های کوچک دارد.

البته بازار همیشه اجازه حاشیه بالا نمی‌دهد. رقابت ممکن است شرکت را مجبور کند با حاشیه محدود کار کند. اما در چنین شرایطی اهمیت بندهای تعدیل و مدیریت ریسک حتی بیشتر می‌شود. مدیر باید بداند چه مقدار از حاشیه قرارداد در برابر چه شوکی از بین می‌رود.

این اطلاعات هنگام مذاکره قدرت ایجاد می‌کند. شرکت می‌تواند آگاهانه تصمیم بگیرد که آیا برای گرفتن یک مشتری استراتژیک حاضر است ریسک بیشتری قبول کند یا خیر.

مشکل زمانی است که ریسک بدون اندازه‌گیری پذیرفته شود. قراردادهای بلندمدت باید مالک داشته باشند یک خطای مدیریتی دیگر این است که قرارداد پس از امضا در بايگانی قرار می‌گیرد و فقط هنگام اختلاف دوباره خوانده می‌شود. قرارداد مهم باید در طول دوره اجرا نیز مدیریت شود. اگر شرکت قرارداد بزرگی برای تحویل شش‌ماهه دارد، فرد یا واحد مشخصی باید متغیرهای اقتصادی اصلی آن را دنبال کند: هزینه واقعی پروژه نسبت به برآورد، زمان اجرا، وضعیت وصول مطالبات، تغییر هزینه تأمین و حاشیه سود باقی‌مانده.

به این ترتیب مشکل زمانی دیده می‌شود که هنوز قابل مدیریت است.

اگر حاشیه سود پروژه در ماه دوم از ۱۵ درصد به هشت درصد رسیده باشد، مدیریت می‌تواند علت را بررسی کند، هزینه‌ها را اصلاح کند یا در چارچوب قرارداد با طرف مقابل مذاکره کند. اما اگر شرکت فقط پس از پایان پروژه متوجه شود قرارداد زیان‌ده بوده، دیگر بخش بزرگی از فرصت اصلاح از دست رفته است.

برای قراردادهای بزرگ می‌توان یک داشبورد ساده داشت: قیمت قرارداد / هزینه برآوردی اولیه / هزینه واقعی تا امروز / هزینه پیش‌بینی‌شده تا پایان / حاشیه سود اولیه / حاشیه سود پیش‌بینی‌شده فعلی.

همین شش عدد می‌تواند بسیاری از مشکلات را زودتر آشکار کند. پنج سؤال قبل از امضای قرارداد بعدی پیش از امضای هر قرارداد بلندمدت، مدیر بهتر است پنج سؤال ساده را از تیم مالی، عملیاتی و حقوقی بپرسد. اول اینکه بزرگ‌ترین متغیری که می‌تواند هزینه اجرای این قرارداد را تغییر دهد چیست؟ مواد اولیه، ارز، دستمزد، زمان یا عامل دیگری؟ دوم اینکه اگر این متغیر ۲۰ تا ۳۰ درصد برخلاف انتظار ما حرکت کند، قرارداد هنوز سودآور است؟ سوم اینکه آیا در متن قرارداد برای این تغییر سازوکاری تعریف شده است؟

چهارم اینکه اگر اجرای پروژه طولانی‌تر شود، هزینه مالی تأخیر را چه کسی پرداخت می‌کند؟ و پنجم اینکه بدترین سناریوی قابل تصور چه مقدار زیان برای شرکت ایجاد می‌کند؟ اگر پاسخ سؤالات پنجم عددی باشد که شرکت توان تحمل آن را ندارد، قرارداد حتی اگر در سناریوی عادی بسیار سودآور به نظر برسد، نیازمند بازطراحی است.

این همان تفاوت میان فروش و مدیریت ریسک قرارداد است. واحد فروش ممکن است از امضای قرارداد بزرگ خوشحال باشد، اما مدیر مالی باید بپرسد این قرارداد در چه شرایطی می‌تواند به زیان تبدیل شود و مدیر حقوقی باید بررسی کند در صورت تغییر شرایط چه حقوق و تعهداتی برای طرفین وجود دارد.

قرارداد خوب قراردادی نیست که فقط روز امضا جذاب به نظر برسد؛ قراردادی است که برای روزهایی بد نیز فکر شده باشد.

رای اخیر درباره قراردادهای پیش‌فروش خودرو یادآوری می‌کند که امضای قرارداد اهمیت دارد و نمی‌توان با این فرض وارد معامله شد که اگر شرایط بعداً تغییر کرد، قواعد را به‌سادگی عوض خواهیم کرد. برای مدیران پیام روشن‌تر است: ریسک آینده را باید قبل از امضا قیمت‌گذاری کرد.

وقتی تورم، هزینه مواد اولیه یا شرایط بازار تغییر کرد، زمان مناسبی برای کاهش سیر ریسک هم هست. آن زمان فقط نتیجه تصمیمی را می‌بینیم که چند ماه قبل گرفته شده است.

بنابراین پیش از امضای قرارداد بعدی، در کنار سؤال همیشگی «چقدر سود می‌کنیم؟» یک سؤال دیگر هم روی میز بگذارید:

«چه اتفاقی باید بیفتد تا این قرارداد زیان‌ده شود؟»

اگر پاسخ را بدانید، می‌توانید ریسک را مدیریت کنید. اگر ندانید، ممکن است قراردادی که امروز با لبخند امضا می‌شود، چند ماه بعد به یکی از گران‌ترین تعهدات شرکت تبدیل شود.

هدف بند تعدیل این نیست که فروشنده بتواند هر زمان خواسته قیمت را افزایش دهد. اگر چنین اختیاری بدون قاعده وجود داشته باشد، خریدار عملاً هیچ اطمینانی درباره هزینه آینده ندارد. یک بند تعدیل مناسب باید مشخص کند در چه شرایطی، براساس چه شاخصی، با چه فرمولی و تا چه سقفی امکان تغییر قیمت وجود دارد.

فرض کنید بخش بزرگی از قیمت محصول به ماده اولیه‌ای وابسته است که قیمت مرجع قابل مشاهده‌ای دارد. طرفین می‌توانند توافق کنند اگر قیمت این ماده نسبت به زمان امضای قرارداد بیش از یک آستانه مشخص تغییر کرد، بخشی از افزایش یا کاهش براساس فرمول توافق‌شده در قیمت نهایی منعکس شود.

در قراردادهای نیروی انسانی‌محور ممکن است تغییر قانونی دستمزد یکی از متغیرها باشد. در برخی قرارداده‌ها هزینه حمل‌ونقل یا شاخص‌های رسمی قیمت می‌تواند مبنا قرار گیرد.

اصل مهم این است که قواعد پیش از وقوع تغییر مشخص شده باشند.

در آن صورت وقتی شرایط تغییر می‌کند، دو طرف مجبور نیستند مذاکره را از صفر آغاز کنند. قرارداد از قبل مشخص کرده است که چه اتفاقی باید بیفتد.

این سازوکار حتی می‌تواند رابطه تجاری را حفظ کند. بدون آن، فروشنده ممکن است احساس کند ادامه قرارداد برایش زیان‌ده است و خریدار نیز افزایش قیمت را نقض توافق بداند. اختلافی که می‌توانست با یک فرمول روشن مدیریت شود، به بحران اعتماد تبدیل می‌شود.

فورس‌ماژور با گران‌شدن فرق دارد

یکی از اشتباهات رایج در گفتگوهای تجاری این است که هر اتفاق غیرمنتظره‌ای «فورس‌ماژور» نامیده شود.

فورس‌ماژور مفهوم حقوقی مشخصی دارد و شرایط تحقق و آثار آن باید براساس قانون حاکم بر قرارداد، متن قرارداد و اوضاع هر پرونده بررسی شود. صرف اینکه اجرای قرارداد گران‌تر از انتظار شده، لزوماً به معنی وقوع فورس‌ماژور نیست.

از منظر مدیریت ریسک نیز بهتر است شرکت روی این تصور حساب نکند که اگر شرایط سخت شد، بعداً می‌تواند با استناد به اتفاقات اقتصادی از تعهد خارج شود.

راه حرفه‌ای‌تر این است که ریسک‌های قابل تصور هنگام تنظیم قرارداد شناسایی شوند.

تورم، تغییر هزینه مواد اولیه، افزایش دستمزد، نوسان هزینه حمل و تأخیر در تأمین بسیاری اوقات پدیده‌هایی کاملاً ناشناخته نیستند. شاید اندازه آنها مشخص نباشد، اما امکان وقوعشان قابل تصور است.

اگر ریسک قابل تصور است، بهتر است برای آن قاعده قراردادی وجود داشته باشد.

فورس‌ماژور باید برای شرایطی بماند که واقعاً ویژگی‌های لازم را دارد، نه اینکه جایگزین طراحی ضعیف قرارداد شود.

قبل از امضا قرارداد را «تست فشار» کنید

بانک‌ها و مؤسسات مالی برای بررسی مقاومت خود در برابر شرایط نامطلوب از Stress Test یا آزمون فشار استفاده می‌کنند. کسب‌وکارها نیز می‌توانند همین منطق را برای قراردادهای مهم به کار ببرند.

قبل از امضای یک قرارداد شش‌ماهه یا یک‌ساله، قیمت قرارداد را فقط براساس شرایط امروز محاسبه نکنید.

سه یا چهار سناریوی نامطلوب اما قابل تصور بسازید.

مثلاً فرض کنید ماده اولیه اصلی ۲۰ درصد گران شود. حاشیه سود قرارداد چقدر باقی می‌ماند؟

اگر دستمزد ۳۰ درصد افزایش پیدا کند چه اتفاقی می‌افتد؟

اگر زمان تحویل دو ماه بیشتر شود، هزینه مالی و نگهداری پروژه چقدر تغییر می‌کند؟

اگر نرخ تبدیل ارزی که بخشی از مواد اولیه به آن وابسته است تغییر قابل توجهی داشته باشد، قرارداد هنوز سودآور خواهد بود؟

هدف پیش‌بینی دقیق آینده نیست. هیچ مدیری نمی‌تواند تمام متغیرهای اقتصادی شش ماه آینده را دقیق پیش‌بینی کند.

هدف این است که بفهمیم قرارداد در برابر چه مقدار تغییر تاب‌آوری دارد.

اگر فقط با ۱۰ درصد افزایش هزینه، کل سود قرارداد از بین می‌رود، شرکت قراردادی بسیار حساس امضا می‌کند. این حساسیت باید یا در قیمت اولیه منعکس شود یا از طریق بندهای قراردادی مدیریت شود.

حاشیه سود، سیر ریسک هم هست

گاهی مدیران حاشیه سود را فقط به‌عنوان چیزی می‌بینند که باید در مذاکره از آن دفاع کرد. اما حاشیه سود نقش دیگری نیز دارد: بخشی از آن سیر شرکت در برابر خطای پیش‌بینی و تغییرات آینده است.

اگر قراردادی با حاشیه بسیار کوچک منعقد شود، حتی تغییر محدود هزینه می‌تواند آن را زیان‌ده کند.

فرض کنید یک قرارداد ۱۰ میلیارد تومانی فقط ۳۰۰ میلیون تومان

فرصت امروز: امضای قرارداد معمولاً لحظه‌ای است که مذاکره تمام‌شده تلقی می‌شود. قیمت مشخص شده، زمان تحویل تعیین شده و دو طرف تصور می‌کنند از اینجا به بعد فقط باید تعهدات نوشته‌شده را اجرا کنند. اما در اقتصادی که قیمت مواد اولیه، دستمزد، ارز، حمل‌ونقل و سایر هزینه‌ها می‌توانند طی چند ماه تغییر قابل توجهی داشته باشند، امضای قرارداد گاهی نه پایان ریسک بلکه آغاز آن است.

رای تازه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری درباره قراردادهای پیش‌فروش خودرو بار دیگر موضوع ثبات قرارداد را برجسته کرده است. براساس گزارش منتشرشده، قراردادهای پیش‌فروش منعقدشده پیش از تاریخ تعیین‌شده در مقررات جدید را نمی‌توان صرفاً به استناد تغییر بعدی قواعد، مشمول شرایط تازه دانست. اصل ماجرا در حوزه خودرو مطرح شده، اما پرسشی که پشت آن قرار دارد برای هزاران کسب‌وکار ایرانی آشناست: وقتی قراردادی امروز امضا می‌شود و شرایط اقتصادی فردا تغییر می‌کند، هزینه این تغییر را چه کسی باید بپردازد؟

این سؤال برای قراردادهای بلندمدت اهمیت بیشتری دارد. پیمانکار ساختمانی ممکن است امروز برای پروژه‌ای یک‌ساله قیمت بدهد، تولیدکننده برای تحویل چند ماه آینده قرارداد ببندد، شرکت فناوری قرارداد پشتیبانی سالانه منعقد کند یا فروشنده محصولی را برای تحویل آینده پیش‌فروش کند. اگر هزینه‌ها در میانه راه به‌شدت افزایش پیدا کنند، قراردادی که روز اول سودآور بوده ممکن است چند ماه بعد بخش بزرگی از حاشیه سود شرکت را از بین ببرد.

مشکل از جایی آغاز می‌شود که شرکت هنگام امضا فقط درباره «قیمت امروز» مذاکره کرده و هیچ قاعده روشنی برای «تغییر فردا» نداشته است.

قرارداد یک پیش‌بینی درباره آینده است

هر قرارداد مدت‌دار در واقع مجموعه‌ای از فرضیات درباره آینده دارد، حتی اگر این فرضیات روی کاغذ نوشته نشده باشند.

وقتی شرکتی متعهد می‌شود شش ماه دیگر هزار واحد محصول را با قیمت مشخص تحویل دهد، به‌طور ضمنی فرض کرده است که در شش ماه آینده می‌تواند مواد اولیه، نیروی انسانی، انرژی و سایر عوامل تولید را با هزینه‌ای تأمین کند که قرارداد همچنان برایش اقتصادی باشد.

ممکن است مدیر هیچ‌گاه این فرض را صریح بیان نکرده باشد، اما قیمت قرارداد براساس همین تصور ساخته شده است.

فرض کنید هزینه تولید یک محصول امروز ۸۰ میلیون تومان و قیمت فروش قراردادی آن ۱۰۰ میلیون تومان باشد. شرکت انتظار دارد از هر واحد حدود ۲۰ میلیون تومان برای پوشش سود و سایر نیازهای مالی باقی بماند.

سه ماه بعد مواد اولیه و سایر هزینه‌ها افزایش پیدا می‌کنند و هزینه تولید به ۹۸ میلیون تومان می‌رسد. قرارداد هنوز شرکت را مجبور می‌کند محصول را ۱۰۰ میلیون تومان تحویل دهد.

حاشیه ۲۰ میلیون تومانی اکنون به دو میلیون تومان رسیده است. اگر هزینه تولید از ۱۰۰ میلیون تومان عبور کند، هر محصولی که شرکت طبق قرارداد تحویل می‌دهد می‌تواند زیان بیشتری ایجاد کند. اینجا یک وضعیت عجیب شکل می‌گیرد: فروش بیشتر، زیان بیشتر. شرکت سفارش دارد، مشتری دارد و خط تولید هم کار می‌کند، اما قراردادی که زمانی یک دارایی محسوب می‌شد اکنون به منبع زیان تبدیل شده است.

آیا تورم مجوز تغییر قرارداد است؟

از نظر مدیریتی باید میان دو موضوع تفکیک قائل شد. اینکه تغییر شرایط اقتصادی اجرای قرارداد را برای یک طرف گران‌تر کرده، الزاماً به این معنا نیست که آن طرف می‌تواند یک‌جانبه شرایط قرارداد را تغییر دهد.

قرارداد اساساً برای ایجاد قابلیت پیش‌بینی منعقد می‌شود. اگر هر طرف بتواند هر زمان که شرایط بازار برخلاف منافعش شد قیمت یا سایر تعهدات را تغییر دهد، بخش بزرگی از کارکرد اقتصادی قرارداد از بین می‌رود.

در عین حال قرارداد حرفه‌ای باید برای برخی تغییرات قابل پیش‌بینی آینده نیز سازوکار داشته باشد.

اینجاست که طراحی قرارداد اهمیت پیدا می‌کند.

شرکت‌ها معمولاً زمان زیادی برای مذاکره درباره قیمت پایه صرف می‌کنند. خریدار می‌خواهد پنج درصد کمتر بپردازد و فروشنده تلاش می‌کند همان پنج درصد را حفظ کند. ساعت‌ها جلسه برگزار می‌شود و مدیران ارشد وارد مذاکره می‌شوند.

اما گاهی بندی که مشخص می‌کند اگر هزینه‌ها ۳۰ درصد تغییر کرد چه اتفاقی می‌افتد، با چند جمله عمومی و استاندارد نوشته می‌شود. ممکن است همان چند جمله بعداً ارزشی بسیار بیشتر از پنج درصد تخفیفی داشته باشد که طرفین ساعت‌ها به سر آن مذاکره کرده‌اند.

بند تعدیل قیمت دقیقاً چه کاری انجام می‌دهد؟ یکی از ابزارهای مدیریت این ریسک، Price Adjustment Clause یا بند تعدیل قیمت است.



نگاه

گرد و خاک بازار ارز فرو خواهد نشست

همتی افزود: وقتی از تلاش برای پایداری صحبت می‌کنیم، گفتن آن ساده است، اما پشت این موضوع حجم عظیمی از کار و تصمیمات بانک مرکزی و سیستم بانکی وجود داشته که توانسته این پایداری مالی را ایجاد کند.

فروپاشی اقتصادی قطعا نداریم

رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به تأمین ارز برای نیازهای اساسی مردم و واحدهای تولیدی اظهار کرد: تأمین ارز برای نیازهای معیشتی مردم، کالاهای اساسی و مواد اولیه کارخانه‌ها مواردی نبود که بتوان به‌راحتی از آنها گذشت یا آنها را نادیده گرفت.

وی ادامه داد: بسیاری از کارشناسان، حتی کارشناسان خوش‌بین، معتقد بودند که با روند محاصره، جنگ و فشارهای اقتصادی، کشور به‌زودی وارد فروپاشی اقتصادی خواهد شد، اما من پیش از این نیز گفته بودم که بانک مرکزی مصمم است اجازه ندهد این اتفاق بیفتد که نیفتاده و قاطعانه می‌گویم نخواهد افتاد.

همتی با بیان اینکه مردم همچنان فشار سنگین تورم را در زندگی روزمره خود احساس می‌کنند، گفت: اقتصاد برای مردم بسیار سخت شده و زندگی آنها تحت تأثیر قرار گرفته است، اما فروپاشی اقتصادی اتفاق نیفتاده و نخواهد افتاد.

وی افزود: من هیچ‌وقت به مردم دروغ نخواهم گفت. دشمن نباید از صحبت‌های ما سوءاستفاده کند، اما این به معنای آن نیست که با مردم صادق نباشیم.

اول کنترل شتاب تورم، بعد کنترل تورم

رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به روند تورم در ماه‌های ابتدایی سال، اظهار کرد: در فروردین، اردیبهشت و خرداد تورم بالای هفت و هشت درصد داشتیم که نگرانی‌هایی ایجاد کرد، اما اقداماتی که بانک مرکزی در حوزه ابزارهای پولی و روش‌های احتیاطی انجام داد، موجب شد شتاب تورم کنترل شود.

همتی تأکید کرد: فعلاً وظیفه ما کنترل شتاب تورم است تا وارد فروپاشی اقتصادی نشویم و ان‌شاءالله خود تورم را نیز با کاهش شتاب آن به حداقل برسانیم و روند مناسبی را برای اقتصاد کشور فراهم کنیم. وی با اشاره به تشدید تحریم‌ها و اقدامات روانی دشمن گفت: در شرایطی که محاصره اقتصادی وجود دارد، تحریم‌ها به اوج رسیده و تبلیغات و اقدامات روانی دشمن برای القای فروپاشی اقتصادی افزایش یافته است، این ادعا که ایران وارد فروپاشی خواهد شد، محقق نشده است.

از ابتدای سال تاکنون ۱۸ میلیارد دلار تأمین ارز انجام داده‌ایم

مقام عالی بانک مرکزی با اشاره به ظرفیت‌های ارزی کشور اظهار کرد: آمریکایی‌ها و بسیاری دیگر این موضوع را می‌دانند، اما متأسفانه به آن توجه نمی‌کنند. ما همچنان اصول و مبانی خودمان را ادامه می‌دهیم و منابع و ذخایری داریم که بخشی از آنها را نمی‌توانیم اعلام کنیم.

وی افزود: ما امکانات داریم و در حال تأمین نیازها هستیم. بانک مرکزی پیش‌بینی‌های لازم را برای تأمین نیازهای مردم، معیشت مردم و کالاهای اساسی انجام داده است و از ابتدای سال تاکنون ۱۸ میلیارد دلار تأمین ارز انجام داده‌ایم.

رئیس کل بانک مرکزی با طرح این پرسش که «مگر شرایط جنگی و محاصره نیست؟»، گفت: با وجود این شرایط، چگونه نیازهای کشور را تأمین می‌کنیم؟ آنها هر روز می‌گویند هر هفته یک تحریم اعلام می‌کنیم؛ تحریم کنند، ما هم در حال انجام وظایف خودمان هستیم.

همتی ادامه داد: همین هفته گذشته اعلام کردیم که ۵۰۰ میلیون دلار برای بازار پیش‌بینی کرده‌ایم و عرضه خواهیم کرد. اکنون نیز اعلام می‌کنم که اگر نیاز باشد، آمادگی داریم تا دو میلیارد دلار در بازار عرضه کنیم.

وی اظهار کرد: فکر می‌کنم با این اقدامات، ادعاهایی که مطرح می‌شود «مبنی بر اینکه فروپاشی اقتصادی اتفاق خواهد افتاد»، واقعا کوتاه خواهد آمد.

هدف‌گذاری بانک مرکزی برای رشد و اشتغال

رئیس کل بانک مرکزی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ارتباط بانکداری اسلامی با تأمین مالی تولید، گفت: یکی از مهم‌ترین کارهایی که به بانکداری اسلامی نیز مربوط می‌شود، تأمین نیازهای لازم برای رشد پس از مهار تورم است. یکی از وظایف مهم بانک مرکزی کمک به رشد و اشتغال است.

همتی با اشاره به آسیب‌های واردشده به برخی زیرساخت‌ها و واحدهای تولیدی در جریان حملات دشمن، افزود: حوادثی که اتفاق افتاد و ضرباتی که به برخی زیرساخت‌ها و واحدهای تولیدی وارد شد، در کنار شرایط اقتصادی ایجادشده، باعث شده است بیکاری در کشور افزایش پیدا کند.

وی ادامه داد: یکی از وظایف بانک مرکزی تأمین مالی است و به این نتیجه رسیدیم‌ایم که در شرایط فعلی، واحدهای تولیدی کوچک و متوسط باید مورد توجه جدی قرار گیرند.

همتی با اشاره به تصویب این موضوع در هیئت عالی بانک مرکزی گفت: این موضوع تصویب و ابلاغ شده و همکاران ما در حال طراحی برنامه هستند تا در نیمه دوم سال، تأمین مالی جدی برای بنگاه‌ها و واحدهای کوچک و متوسط داشته باشیم که ان‌شاءالله به افزایش اشتغال و رشد اشتغال در کشور کمک خواهد کرد.

افزایش ۶۹ درصدی تسهیلات بانکی

رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به عملکرد شبکه بانکی در تأمین مالی اظهار کرد: از ابتدای سال تا ششم شهریور، طبق آخرین اطلاعاتی که در اختیار دارم، حدود ۴۵۰ همت حجم تسهیلات سیستم بانکی بوده است که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۶۹ درصد افزایش داشته است.

وی افزود: از این رقم، حدود ۲۶۰ همت صرف سرمایه در گردش بنگاه‌ها شده که هدف اصلی آن تولید بوده است و نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۸۰ درصد افزایش داشته است.

تولید متوقف نیست

همتی با اشاره به بازدید اخیر خود از واحدهای تولیدی در خوزستان اظهار کرد: تولید مشکل دارد، اما متوقف نیست. من در پایان هفته در خوزستان و شهرهای مختلف بودم و از واحدهای تولیدی بازدید کردم. واقعا واحدهای تولیدی در حال کار و تلاش بودند و وقتی این واحدها را می‌دیدم، خوشحال می‌شدم.

رئیس کل بانک مرکزی در ادامه با اشاره به برنامه‌های این بانک برای استفاده از روش‌های غیرنرمی تأمین مالی گفت: از اواخر دهه ۹۰ روش‌هایی مانند گام، اعتبار الکترونیکی، فکتورینگ و روش‌های دیگر را آغاز کردیم که زنجیره تأمین مالی تولید را هدف قرار داده‌اند.

وی این روش‌ها را یکی از بهترین شیوه‌های تأمین مالی غیرنرمی دانست و افزود: با استفاده از این روش‌ها می‌توان بدون ایجاد فشار تورمی، تولید را رونق داد. طبق آماري که به من داده‌اند، از ابتدای سال تاکنون ۲۲۴ همت از این طریق تأمین مالی انجام شده است.

بانک‌ها به سمت اقتصاد دیجیتال بروند



واقعی نیز دقیق باشیم. کارآفرین واقعی کسی است که مسئله‌ای را حل می‌کند، محصول یا خدمت قابل فروش دارد، برای اداره کسب‌وکار خود وقت و سرمایه می‌گذارد و مسئولیت تصمیم‌ش را می‌پذیرد. صندوق باید به سراغ کسانی برود که ایده را به فعالیت اقتصادی تبدیل می‌کنند؛ به‌ویژه جوانانی که ممکن است دارایی و وسیله بزرگی نداشته باشند، اما دانش، مهارت و طرح قابل دفاع دارند.

وی اقتصاد دیجیتال را در این زمینه یک فرصت مهم دانست و گفت: بسیاری از کسب‌وکارها در این حوزه با سرمایه ثابت کمتر می‌توانند بازارهای فراتر از شهر و استان خود پیدا کنند و برای جوانان متخصص در سراسر کشور شغل ایجاد کنند. حمایت از شرکت‌های فناور، سکوهاي بومي، کسب‌وکارهای مبتنی بر داده، خدمات دیجیتال و فناوری‌های مالی باید سهم روشن‌تری در سبد صندوق پیدا کند.

رئیس هیأت‌مدیره صندوق کارآفرینی امید گفت: بانک‌ها در نهایت باید به سمت اقتصاد دیجیتال بروند. اگر این اتفاق نیفتد، هم در کشور و هم در صندوق ما دچار یک عقب‌افتادگی جدی خواهیم شد. همان‌طور که اکنون شما پول تاکسی‌تان را با پول نقد نمی‌دهید، خریدهایتان هم همین‌طور است. کتاب می‌خواهید بخرید، حتی مواد غذایی را هم دیجیتال می‌خرید.

قائم‌پناه تأکید کرد: البته در این حوزه نیز نباید اسیر نام‌ها شویم؛ طرح دیجیتال هم باید مشتری، مدل درآمد، تیم توانمند و امکان رشد داشته باشد. نقش فناوری به تأمین مالی شرکت‌های دیجیتال محدود نمی‌شود. صندوق می‌تواند با کمک فناوری، کسب‌وکارهای سنتی و محلی را نیز به بازارهای بزرگ‌تر متصل کند؛ از صنایع و گردشگری روستایی تا تولیدات کشاورزی و خدمات شهری. گاهی یک ابزار فروش آنلاین، آموزش بازاریابی یا اتصال چند تولیدکننده کوچک به یک زنجیره توزیع، بیش از یک وام منفرد به پایداری کسب‌وکار کمک می‌کند.

وی تأکید کرد: حمایت مالی باید با مشاوره، آموزش، بازاریابی و شبکه‌سازی همراه شود؛ وگرنه ممکن است سرمایه پرداخت شود، اما کسب‌وکار به مقصد نرسد. خود صندوق نیز باید در استفاده از ابزارهای بانکداری نوین، شتاب بیشتر و بیشتری بگیرد. راه‌اندازی همراه، پایانه‌های فروش و درگاه‌های پرداخت اینترنتی، اقدامات خوب و قابل توجهی بوده، اما هنوز ابتدای مسیر است.

رئیس هیأت‌مدیره صندوق کارآفرینی امید تصریح کرد: هدف ما صرفاً تبدیل فرم کاغذی به فرم الکترونیکی نیست. باید فرآیند اعتبارسنجی، تشکیل پرونده، پرداخت، نظارت و ارتباط با مشتری تا حد ممکن یکپارچه و داده‌محور شود. امروز با این نگاهی که با این ابزارهایی که ما داریم، هیچ تصمیمی بدون داده معنا و مفهومی ندارد. توسعه خدمات غیرحضوری برای همه مشتریان مفید است، اما برای کارآفرینی که کیلومترها با نزدیک‌ترین شعبه فاصله دارد، بخشی از عدالت، دسترسی به خدمات مالی است.

وی افزود: استفاده از داده می‌تواند زمان تصمیم‌گیری را کوتاه‌تر، خطای اعتبارسنجی را کمتر و امکان نظارت بر مصرف تسهیلات را بیشتر کند. تصمیم‌گیری سریع البته نباید به تصمیم‌گیری سهل‌انگارانه تبدیل شود. سرعت و دقت را باید با هم بالا ببریم.

معاون اجرایی رئیس جمهور همچنین گفت: حفاظت از اطلاعات مشتریان و امنیت سایبری باید مورد توجه قرار گیرد. امنیت سایبری و یکپارچه و سربوس را باید جزو خطوط قرمز مدیریت صندوق قرار دهیم. اعتماد مردم سرمایه‌ای است که با یک اختلال جدی یا سهل‌انگاری در نگهداری اطلاعات می‌تواند آسیب جدی ببیند.

وی با اشاره به افزایش سرمایه صندوق کارآفرینی امید گفت: دولت با افزایش سرمایه صندوق موافقت کرده که ان‌شاءالله این به نتیجه نهایی خواهد رسید. این تصمیم نشانه توجه دولت به مأموریت صندوق و ظرفیت شبکه آن در سراسر کشور است. اما افزایش سرمایه دولتی نباید ما را از تجهیز منابع جدید بی‌نیاز کند. تا کی می‌خواهیم خودمان را وابسته به دولت کنیم؟ باید انتظارمان را از دولت کم کنیم و روی پای خودمان بایستیم. افزایش سرمایه دولتی نباید ما را از تجهیز منابع جدید بی‌نیاز کند.

قائم‌پناه با اشاره به عملکرد سال ۱۴۰۴ صندوق کارآفرینی امید گفت: کنترل عملکرد سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد مجموعه صندوق ظرفیت حرکت در این مسیر را دارد. در این سال، پرداخت تسهیلات ۵۰ درصد و مانده تسهیلات نزد کارآفرینان ۳۵ درصد رشد کرده است. در مجموع ۲۲ هزار و ۷۶۸ فقره تسهیلات به ارزش بیش از ۱۲۵ هزار میلیارد ریال به صاحبان کسب‌وکارهای خرد و کوچک پرداخت شد و زمینه ایجاد یا تثبیت ۶۴ هزار و ۳۲۹ فرصت شغلی را فراهم آورد.

معاون اجرایی رئیس جمهور و رئیس هیأت‌مدیره صندوق کارآفرینی امید با انتقاد از تمرکز منابع در تهران، گفت: وقتی با پرداخت تسهیلات در تهران اشتغال ایجاد می‌کنیم، عملاً زمینه مهاجرت نیروی کار از استان‌های دیگر به پایتخت و اطراف آن را فراهم می‌کنیم؛ بنابراین منابع صندوق باید بیشتر به سمت مناطق کم‌برخوردار، روستایی و مرزی هدایت شود.

به گزارش ایسنا، محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور و رئیس هیأت‌مدیره صندوق کارآفرینی امید، در نشست سراسری مدیران صندوق کارآفرینی امید اظهار کرد: شاید ده‌ها نفر از این صندوق تسهیلات گرفتند و مسیر زندگی خودشان، خانواده‌هایشان و فرزندان‌شان تغییر کرده است. صندوق کارآفرینی امید از یک سو یک موسسه اعتباری است و باید همه اصول حرفه‌ای مربوط به سلامت مالی، اعتبارسنجی، مدیریت ریسک و صیانت از منابع مردم را رعایت کند و از سوی دیگر یک مأموریت توسعه‌ای و اجتماعی بر عهده دارد. وی تأکید کرد: صندوق نباید به اداره‌ای برای توزیع پول تبدیل شود و نباید مانند یک بانک تجاری تنها به کم‌ریسک‌ترین و در دسترس‌ترین مشتریان توجه کند که بعضی از آنها فقط در تهران هستند. هنر مدیریت صندوق، جمع کردن همین دو مسئولیت است؛ انضباط یک نهاد مالی و جسارت یک نهاد توسعه‌ای.

قائم‌پناه با اشاره به شرایط اقتصادی کشور اظهار کرد: اقتصاد کشور امروز با محدودیت منابع، آثار تورم، ناترازی‌های مزمن در زمینه‌های مختلف و پیامدهای جنگ تحمیلی اخیر روبه‌روست. در چنین شرایطی، یک کسب‌وکار فعال، ایجاد یک واحد فساد اهمیت دارد. وقتی واحدی تعطیل نمی‌شود، فقط سرمایه صاحبان سرمایه از بین نمی‌رود؛ معیشت، کار، بازار فروش و بخشی از ظرفیت تولیدی یک منطقه نیز آسیب می‌بیند. به همین دلیل حمایت از سرمایه در گردش، بازگرداندن واحدهای آسیب‌دیده به چرخه فعالیت و صیانت از اشتغال موجود، در کنار ایجاد فرصت‌های تازه، باید در برنامه اعتباری صندوق دیده شود. معاون اجرایی رئیس جمهور تصریح کرد: با این حال، یک نکته را واقعا به‌طور صریح و روشن بگویم؛ هر پرداختی را نمی‌توان حمایت از تولید نامید و هر پرونده‌ای که به عنوان اشتغال دارد، الزاما به اشتغال منتهی نمی‌شود. وام مولد، وامی است که به فعالیت اقتصادی واقعی برسد، فروش و درآمد ایجاد کند، اقساط از محل همان فعالیت بازگردد و شغلی به وجود آورد که چند ماه بعد از آمارها حذف نشود. کاری که بعضی از بانک‌ها هم انجام می‌دهند.

قائم‌پناه در ادامه با بیان اینکه تولید یکی از اصلی‌ترین جهت‌گیری‌های دولت‌ها و توسعه متوازن کشور است، گفت: توسعه متوازن با تقسیم مساوی منابع میان استان‌ها به دست نمی‌آید. وقتی فرصت‌های شغلی، زیرساخت‌ها، دسترسی به بازار و امکان برخورداری در مناطق مختلف کشور یکسان نیست، توزیع برابر منابع می‌تواند همان نابرابری موجود را بازتولید کند. عدالت اقضا می‌کند مناطق پیرامونی و مرزی کشور و همچنین مناطق روستایی کم‌برخوردار و استان‌های محروم، سهم بیشتری از توجه و منابع صندوق داشته باشند.

رئیس هیأت‌مدیره صندوق کارآفرینی امید گفت: انتظار من این است که تخصیص منابع استانی بر پایه شاخص‌های مشخص، مثل میزان محرومیت، نرخ بیکاری، دسترسی مردم به خدمات مالی، ظرفیت‌های مغفول منطقه، سهم جمعیت روستایی و مرزی و امکان شکل‌گیری زنجیره‌های پایدار تولید انجام شود. من بارها هم در هیأت‌مدیره قبلی و هم در هیأت‌مدیره فعلی تمام تلاشم این بود که این موضوع را دنبال کنیم که ما ضرورتی ندارد به استانی مثل تهران وام بدهیم. در یک استان، البرز، سالانه ۱۰۰ هزار نفر مهاجر وارد می‌شود. از کجا می‌آید؟ برای چه می‌آید؟ چه کسی خانه و کاشانه خودش را ترک می‌کند و می‌آید؟

قائم‌پناه با اشاره به وضعیت زیرساخت‌های آموزشی در استان البرز گفت: میزان برخورداری از تحصیل در استانی مثل البرز و پیرامون استان تهران، اولین کشور است؛ یعنی به تعداد کلاس و دانش‌آموز، وضعیت استان البرز و اطراف فاجعه است. بعد در استان‌های پیرامونی مثل استان ایلام، نفر اول، یعنی تعداد دانش‌آموز به کلاس، رتبه یک را دارد. یعنی ما مرتب داریم مهاجرت را تشویق می‌کنیم. چون وام به تهران می‌دهیم، اشتغال در تهران ایجاد می‌شود و طرف کشور و استان خودش را ترک می‌کند و یک موضوع امنیتی هم برای ما دنبال خواهد داشت در بلندمدت.

معاون اجرایی رئیس جمهور تأکید کرد: بنابراین در ارزیابی مدیران استان‌ها نیز باید ببینیم چه میزان از منابع واقعا به شهرهای کم‌برخوردار رسیده است. در کنار عدالت منطقه‌ای، باید در شناسایی کارآفرین

سرمقاله

مردم باید بتوانند نتیجه را ببینند



نویسنده: سجاد رحیمی مدیرسه نویسنده و مشاور حوزه مدیریت و کسب و کار



هفته دولت معمولاً فرصتی برای ارائه گزارش عملکرد دستگاه‌های اجرایی است؛ فرصتی برای آن که دولت از پروژه‌های افتتاح شده، برنامه‌های اجراشده، اقدامات انجام گرفته و دستاوردهای خود سخن بگوید. اما یک دولت زمانی می‌تواند از خدمت سخن بگوید که این خدمت در زندگی مردم قابل لمس باشد؛ در سفره خانواده، در قدرت خرید حقوق‌بگیر، در امنیت شغلی کارگر، در امکان سرمایه‌گذاری تولیدکننده، در قیمت کالا، در دسترسی

چوان به شغل و در امید یک خانواده به آیند.

پیام اخیر رهبر معظم انقلاب به مناسبت هفته دولت، از این منظر، صرفاً یک پیام تبریک یا توصیهٔ عمومی به مدیران دولتی نیست. در بخش اقتصادی این پیام، مجموعه‌ای از مسائل کلیدی کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که اگر دقیق خوانده شوند، می‌توانند به یک نقشه راه جدی برای تغییر رویکرد اقتصادی دولت تبدیل شوند؛ نقشی که نقطهٔ آغاز آن نه شاخص‌های روی کاغذ، بلکه زندگی واقعی مردم است.

در این پیام، از تورم، بیکاری، مدیریت قیمت‌ها و بازار کالا و خدمات سخن گفته شده؛ از رشد، افزایش سرمایه‌گذاری و هدایت سرمایه‌ها به سمت نیازهای واقعی کشور؛ از رونق تولید، کاهش نقش دلار، اقتصاد مقاومتی، مدیریت واردات و استفادهٔ حکیمانه از واردات در موارد ضروری؛ و در نهایت، از یک کلید اصلی برای حل این مسائل یاد شده است: تکیهٔ ه‌رچه بیشتر بر تولید داخلی.

این مجموعه گزار‌ها را اگر کنار یکدیگر قرار دهیم، یک پیام روشن‌تر به دست می‌آید: اقتصاد ایران بیش از آن که به تصمیم‌های مقطعی و مسکن‌های کوتاهمدت نیاز داشته باشد، به اصلاح روش حکمرانی اقتصادی نیازمند است.

و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که باید از دولت مطالبه کرد. مردم نباید صرفاً گزارش عملکرد دولت را بشنوند؛ باید نتیجه عملکرد دولت را در زندگی خود احساس کنند.

مردم، شاخص نهایی موفقیت سیاست اقتصادی

هر دولتی می‌تواند مجموعه‌ای از اعداد و امار ارائه کند می‌توان از رشد اقتصادی سخن گفت، از افزایش صادرات، افزایش تولید، افزایش سرمایه‌گذاری، افتتاح طرح‌های متعدد و حتی افزایش درآمدهای دولت.

اما اقتصاد در نهایت یک علم انتزاعی نیست که موفقیت آن فقط در جدول‌های آماری سنجیده شود.

اقتصاد برای مردم یعنی اینکه در آمدشان تا چه اندازه قدرت خرید دارد.

یعنی کارگری که دوازده ماه کار کرده، در پایان سال بتواند با درآمد خود همان سطحی از زندگی را که برایش برنامه‌ریزی کرده بود حفظ کند.

یعنی جوانی که تحصیلات و مهارت دارد، بتواند وارد بازار کار شود.

یعنی تولیدکننده بتواند مواد اولیه خود را با قیمت قابل پیش‌بینی تهیه کند و برای فردای کسب‌وکارش برنامه داشته باشد.

یعنی مغازه‌دار مجبور نباشد هر روز قیمت کالا را تغییر دهد.

یعنی خانواده‌ای که برای خرید یک وسیلهٔ ضروری چند ماه پس‌انداز کرده، ناگهان با افزایش شدید قیمت مواجه نشود.

یعنی سرمایه‌ای که در اختیار مردم قرار دارد، به جای حرکت به سمت فعالیت‌های سوداگرانه، امکان ورود به تولید و ایجاد اشتغال را پیدا کند.

بنابراین اگر قرار است مردم، خدمتگزارِ قوا و دستگاه‌های مسئول را حس کنند، نخستین محل سنجش این خدمت، اقتصاد خانوار است.

مردم باید احساس کنند که سیاست اقتصادی کشور برای زندگی آنها طراحی شده است، نه اینکه آنها مجبور باشند خود را با پیامدهای سیاست‌های اقتصادی تطبیق دهند. این تفاوت بسیار مهمی است.

در یک حکمرانی اقتصادی کارآمد، سیاست‌گذار تلاش می‌کند محیط اقتصادی را برای تولیدکننده، مصرف‌کننده، کارگر، کارمند و سرمایه‌گذار قابل پیش‌بینی‌تر کند.

اما در یک اقتصاد ناکارآمد، دائماً این مردم هستند که باید خود را با تصمیم‌های متغیر، بخشش‌های ناگهانی، تغییر مقررات، جهش قیمت‌ها، نوسانات بازار و بی‌ثباتی محیط کسب‌وکار تطبیق دهند.

این وضعیت باید تغییر کند. تورم فقط افزایش قیمت نیست؛ کاهش اختیار مردم است. تورم را نباید صرفاً به عنوان یک عدد اقتصادی دید. تورم یعنی کاهش قدرت تصمیم‌گیری مردم درباره آینده خانواد‌ی که نمی‌داند در آمد ماه آینده‌اش چه میزان قدرت خرید خواهد داشت، که آثار تورم را تحمل کنند و در عین حال از آنها خواست را همان هزینه مسکن، ازدواج، آموزش یا تشکیل زندگی در چند ماه آینده جقدر خواهد شد، تصمیم‌گیری بلندمدت برایش دشوار می‌شود. تولیدکننده‌ای که نمی‌داند قیمت مواد اولیه، انرژی، حمل‌ونقل یا تجهیزات در آینده چه تغییری خواهد کرد، نمی‌تواند باطمینان سرمایه‌گذاری کند.

بنابراین مبارزه با تورم فقط به معنای کنترل یک شاخص اقتصادی نیست؛ بلکه به معنای بازگرداندن امکان برنامه‌ریزی به جامعه است. دولت اگر می‌خواهد مردم نتیجه خدمت خود را احساس کنند، باید تورم را در سطح زندگی مردم هدف قرار دهد. نمی‌توان از مردم انتظار داشت که آثار تورم را تحمل کنند و در عین حال از آنها خواست را همان درآمد قبلی، همان سطح از زندگی را حفظ کنند. سیاست اقتصادی باید به گونه‌ای طراحی شود که هزینه بی‌ثباتی اقتصادی به شکل نابرابر بر دوش اقشار ضعیف‌تر نیفتد.

زیرا تورم برای همه یکسان نیست. کسی که دارایی‌های متعدد دارد، ممکن است بخشی از آثار کاهش ارزش پول را از طریق افزایش ارزش دارایی‌هایش جبران کند. اما حقوق‌بگیری که عمده دارایی او درآمد ماهانه‌اش است، در برابر کاهش قدرت خرید آسیب‌پذیرتر است.

از همین رو، سیاست ضدتورمی باید یک سیاست اجتماعی باشد. قیمت را نمی‌توان با دستور مدیریت کرد؛ یکی از بخش‌های مهم پیام، توجه به مدیریت قیمت‌ها و بازار کالا و خدمات است. اما مدیریت قیمت با قیمت‌گذاری دستوری تفاوت دارد.

اگر دولت فقط به دنبال اعلام قیمت باشد، بدون آن که زنجیره تولید، توزیع، واردات، تأمین مالی، هزینه انرژی، حمل‌ونقل، مالیات و ساختار بازار را اصلاح کند، ممکن است قیمت روی کاغذ کنترل شود؛ اما مسئله در جای دیگری خود را نشان دهد.

بازار را نمی‌توان با پخشنامه اداره کرد.

قیمت نهایی یک کالا نتیجه مجموعه‌ای از عوامل است. اگر هزینهٔ تولید افزایش پیدا کند، اگر مواد اولیه با دشواری تأمین شود، اگر سرمایه در گردش گران باشد، اگر حمل‌ونقل افزایش قیمت داشته باشد و اگر شبکه توزیع ناکارآمد باشد، صرفاً دستور دادن برای پایین نگه داشتن قیمت، مسئله را حل نمی‌کند.

دولت باید به جای اینکه دائماً در انتهای زنجیره وارد شود و با قیمت نهایی بجنگد، به ابتدای زنجیره برگردد. باید پرسد چرا هزینهٔ تولید بالا رفته است؟ چرا تولیدکننده نمی‌تواند برای شش ماه آینده برنامه‌ریزی کند؟ چرا سرمایه به جای تولید به سمت فعالیت‌های غیرمولد می‌رود؟ چرا شبکهٔ توزیع در برخی بازارها سهم‌بزرگی از قیمت نهایی را به خوداختصاص می‌دهد؟ چرا تولیدکننده داخلی گاهی برای دسترسی به مواد اولیه و تجهیزات با مشکلاتی مواجه می‌شود که رقیب خارجی چنین مشکلاتی ندارد؟

و چرا مصرف‌کننده باید در نهایت هزینه همهٔ این ناکارآمدی‌ها را پرداخت کند؟

این همان جایی است که «هدیریت قیمت»بایدبه «هدیریت زنجیره ارزش»تبدیل شود. تولیدکنندهٔ ایرانی نباید قربانی سیاست‌گذاری ایرانی شود. اگر قرار است تولید داخلی، محور اقتصاد کشور باشد، باید محیطی ایجاد شود که تولیدکننده بتواند در آن زنده بماند، رشد کند و سرمایه‌گذاری کند.

ادامه در صفحه ۶

نصف کارخانه خاموش است

هزینه کارخانه خاموش

چه کسی هزینه ظرفیت خالی را می‌دهد؟



فعالیت صنعت شیرینی و شکلات با حدود ۵۰ درصد

ظرفیت، نمونه‌ای از مشکلی بزرگ‌تر در اقتصاد ایران است.

ظرفیت خالی کارخانه رایگان نیست؛ هزینه‌اش در قیمت

تمام‌شده، سود کمتر و رشد اقتصادی پایین‌تر پرداخت می‌شود.

کنید بخشی از ظرفیت کارخانه خالی است و مشتری جدیدی حاضر شده سفارش بزرگی بدهد، اما قیمت پیشنهادی او پایین‌تر از قیمت معمول شرکت است.

آیا باید سفارش را رد کرد؟

پاسخ همیشه «بله» نیست.

اگر کارخانه ظرفیت خالی دارد و قیمت پیشنهادی مشتری حداقل هزینه متغیر تولید را پوشش می‌دهد و بخشی نیز برای هزینه ثابت باقی می‌گذارد، در برخی شرایط قبول سفارش می‌تواند از خالی‌ماندن خط تولید اقتصادی‌تر باشد.

فرض کنید هزینه متغیر تولید یک محصول ۶۰ هزار تومان و قیمت معمول فروش ۱۰۰ هزار تومان است. مشتری بزرگی حاضر است برای ظرفیت خالی کارخانه هر محصول را ۸۰ هزار تومان بخرد.

در نگاه اول شرکت ۲۰ درصد تخفیف داده است، اما اگر این سفارش جای فروش ۱۰۰ هزار تومانی دیگری را نگیرد، هر واحد محصول ۲۰

هزار تومان برای پوشش هزینه‌های ثابت کارخانه ایجاد می‌کند. در چنین شرایطی ممکن است تولید با حاشیه پایین بهتر از خاموش‌ماندن دستگاه باشد.

البته این تصمیم خطرانی نیز دارد. فروش ارزان نباید بازار اصلی شرکت را تخریب کند، مشتریان قبلی را به درخواست تخفیف وادار کند یا شرکت را وارد قراردادهای زیان‌ده بلندمدت کند. بنابراین تصمیم باید براساس مفهوم Contribution Margin یا حاشیه مشارکت و با توجه به ظرفیت واقعاً خالی گرفته شود.

این همان جایی است که تحلیل مالی باید کنار مدیریت فروش قرار گیرد.

مدیر باید «قیمت هر ساعت خاموشی» را بداند

یک ابزار عملی برای مدیران این است که هزینه ظرفیت خالی را از یک مفهوم انتزاعی به یک عدد تبدیل کنند.

فرض کنید کارخانه در ماه ۷۲۰ ساعت ظرفیت تقویمی دارد و پس از کسر تعمیرات و توقف‌های برنامه‌ریزی‌شده، ۶۰۰ ساعت ظرفیت عملی در اختیار دارد. اگر فقط ۴۲۰ ساعت تولید واقعی انجام شود، ۱۸۰ ساعت ظرفیت قابل استفاده بدون تولید باقی مانده است.

حالا می‌توان بخشی از هزینه‌های ثابت ماهانه را بر همین ظرفیت تقسیم کرد و تخمینی از هزینه هر ساعت ظرفیت ایجاد کرد. اگر هزینه ثابت مرتبط با خط تولید ماهانه سه میلیارد تومان و ظرفیت عملی ۶۰۰ ساعت باشد، هر ساعت ظرفیت حدود پنج میلیون تومان هزینه ثابت دارد.

در چنین شرایطی ۱۸۰ ساعت ظرفیت خالی عدد کوچکی نیست.

البته نمی‌توان گفت تمام حاصل ضرب این دو عدد «زیان نقدی مستقیم» است، زیرا ساختار هزینه‌ها پیچیده‌تر است، اما همین محاسبه به مدیر نشان می‌دهد خاموش‌ماندن ظرفیت چیزی نیست که بدون هزینه از کنار آن عبور کند.

مرحله بعدی مهم‌تر است: علت هر ساعت توقف ثبت شود.

مواد اولیه؟

برق؟

خرابی؟

نبود سفارش؟

کمبود نیروی انسانی؟

مشکل نقدینگی؟

اگر این داده برای چند ماه جمع شود، مدیر می‌تواند بفهمد بزرگ‌ترین قاتل ظرفیت کارخانه چیست و سرمایه‌مدیریتی را دقیقاً روی همان نقطه متمرکز کند.

کارخانه‌ای که ساخت‌و‌ایم باید کار کند

وقتی درباره سرمایه‌گذاری صنعتی صحبت می‌کنیم، معمولاً توجه روی ایجاد کارخانه جدید، خرید ماشین‌آلات یا افزایش ظرفیت اسمی قرار می‌گیرد. اما قبل از ساخت ظرفیت جدید یک سؤال مهم‌تر وجود دارد: با ظرفیتی که قبلاً ساخت‌و‌ایم چه می‌کنیم؟

ماشین‌آلاتی که با سرمایه سنگین خریداری شده‌اند اما نصف روز خاموش هستند، ساختمان صنعتی‌ای که فقط بخشی از توان آن استفاده می‌شود و نیروی انسانی‌ای که امکان تولید بیشتری دارد اما مواد اولیه کافی در اختیارش نیست، همگی نشانه‌هایی از سرمایه‌ای هستند که بازده کامل ایجاد نمی‌کند.

اظهارات مربوط به فعالیت صنعت شیرینی و شکلات با حدود نصف ظرفیت از همین زاویه اهمیت پیدا می‌کند. مسئله فقط این نیست که یک صنعت کمتر محصول تولید کرده است؛ مسئله این است که سرمایه‌ای برای ایجاد ظرفیت ۱۰۰ واحدی صرف شده اما فقط ۵۰ واحد آن در حال ایجاد ارزش است.

و هزینه ۵۰ واحد دیگر ناپدید نشده است.

بخشی از آن در استت‌هلاک دیده می‌شود، بخشی در هزینه مالی، بخشی در قیمت تمام‌شده محصولات و بخشی در فرصت اقتصادی ازدست‌رفته.

برای مدیر کارخانه شاید مهم‌ترین سؤال این هفته همین باشد: خط تولید من واقعاً با چند درصد ظرفیت کار می‌کند و هر ۱۰ درصد ظرفیت خالی چه مقدار برای شرکت هزینه دارد؟

اگر پاسخ این دو سؤال مشخص نباشد، ممکن است شرکت ماه‌ها دربار‌ه افزایش قیمت مواد اولیه، نرخ ارز و هزینه نیروی انسانی بحث کند، در حالی که یکی از مهم‌ترین عوامل قیمت تمام‌شده درست داخل کارخانه قرار دارد.

در مدیریت تولید از شاخص Capacity Utilization یا نرخ بهره‌برداری از ظرفیت استفاده می‌شود. مفهوم آن ساده است: شرکت چه مقدار از ظرفیت تولیدی قابل استفاده خود را واقعاً به کار گرفته است؟

اگر یک خط تولید توان تولید روزانه ۱۰۰ هزار واحد محصول را داشته باشد اما در عمل ۶۰ هزار واحد تولید کند، نرخ بهره‌برداری از ظرفیت حدود ۶۰ درصد است.

البته محاسبه ظرفیت واقعی همیشه به این سادگی نیست. ظرفیت اسمی دستگاه ممکن است با ظرفیت عملی کارخانه متفاوت باشد. توقف برای تعمیر، تغییر ششیفت، محدودیت نیروی انسانی، زمان تعویض محصول و عوامل دیگر باید در محاسبه لحاظ شوند.

با این حال حتی یک برآورد ساده از این شاخص می‌تواند اطلاعات مدیریتی مهمی ایجاد کند.

اگر کارخانه‌ای سال گذشته با ۸۵ درصد ظرفیت کار می‌کرد و اکنون به ۶۰ درصد رسیده است، مدیر باید دقیقاً بداند ۲۵ واحد درصد ظرفیت چرا از دست رفته است.

آیا تقاضا کم شده؟

مواد اولیه وجود ندارد؟

سرمایه در گردش کافی نیست؟

برق یا گاز تولید را محدود کرده؟

ماشین‌آلات بیش از حد متوقف می‌شوند؟

نیروی انسانی کافی وجود ندارد؟

یا ترکیبی از همه این عوامل باعث کاهش تولید شده است؟

پاسخ هر کدام نسخه مدیریتی متفاوتی دارد. کارخانه‌ای که مشتری ندارد یا کارخانه‌ای که سفارش دارد اما پول خرید مواد اولیه ندارد، یک مشکل ندارند و طبیعتاً یک راه‌حل هم ندارند.

سرمایه در گردش چگونه کارخانه را بدون خرابی دستگاه متوقف می‌کند؟

یکی از مهم‌ترین دلایل ظرفیت خالی الزاماً کمبود تقاضا نیست. گاهی کارخانه سفارش دارد، دستگاه سالم است و نیروی انسانی هم وجود دارد، اما پول کافی برای خرید مواد اولیه ندارد.

فرض کنیم کارخانه برای یک ماه تولید کامل به ۲۰ میلیارد تومان ماده اولیه نیاز دارد. اگر افزایش قیمت‌ها باعث شود همان حجم ماده اولیه اکنون ۳۰ میلیارد تومان هزینه داشته باشد، شرکت باید ۱۰

میلیارد تومان سرمایه در گردش اضافی پیدا کند.

اگر نتواند، شاید به جای یک ماه مواد اولیه فقط برای ۲۰ روز خرید کند.

ظرفیت فیزیکی کارخانه هیچ تغییری نکرده، اما ظرفیت مالی شرکت

کاهش یافته است.

در این شرایط ماشین‌آلات بخشی از ماه خاموش می‌مانند، در حالی که شرکت همچنان هزینه داشتن آنها را پرداخت می‌کند.

هر مسئله نشان می‌دهد چرا تورم برای تولیدکننده فقط به معنای

«گران‌شدن مواد اولیه» نیست. افزایش قیمت مواد اولیه مقدار سرمایه

در گردش مورد نیاز برای استفاده از همان کارخانه قبلی را نیز بالا

می‌برد.

شرکتی که سه سال قبل با ۱۰ میلیارد تومان سرمایه در گردش می‌توانست خط خود را پر نگه دارد، ممکن است امروز برای همان

میزان تولید به چند برابر آن نیاز داشته باشد.

اگر سرمایه شرکت متناسب با این تغییر بزرگ نشده باشد، ظرفیت عملی آن کاهش پیدا می‌کند؛ حتی اگر هیچ دستگاهی از کارخانه خارج نشده باشد.

نقطه سربه‌سر با ظرفیت کارخانه چه می‌کند؟

ظرفیت خالی ارتباط مستقیمی با یکی دیگر از مفاهیم مهم مدیریت یعنی Break-even Point یا نقطه سربه‌سر دارد.

هر شرکت باید مقداری محصول بفروشد تا مجموع حاشیه ایجادشده از فروش بتواند هزینه‌های ثابت را پوشش دهد. بعد از عبور از این نقطه

است که تولید اضافی می‌تواند سود واقعی ایجاد کند.

فرض کنیم کارخانه ماهانه یک میلیارد تومان هزینه ثابت دارد و از فروش هر محصول پس از کسر هزینه متغیر ۲۰ هزار تومان برای

پوشش هزینه ثابت و سود باقی می‌ماند.

شرکت باید ۵۰ هزار واحد بفروشد تا فقط هزینه ثابت خود را پوشش دهد.

اگر ظرفیت کارخانه ۱۰۰ هزار واحد باشد، نقطه سربه‌سر معادل ۵۰ درصد ظرفیت است.

حالا تصور کنید هزینه‌های ثابت یا متغیر افزایش پیدا کرده و حاشیه هر محصول کاهش یافته است. ممکن است کارخانه برای رسیدن به

سربه‌سر مجبور شود ۷۰ هزار واحد بفروشد.

در این شرایط اگر به هر دلیل فقط با ۶۰ درصد ظرفیت کار کند، شرکت حتی با وجود فروش محصول ممکن است زیان‌ده باشد.

به همین دلیل مدیر نباید فقط بپرسد «چقدر تولید می‌کنیم؟» سؤال مهم‌تر این است:

حداقل چند درصد ظرفیت باید فعال باشد تا شرکت پول از دست

ندهد؟

این عدد برای هر کارخانه قابل محاسبه است و باید یکی از اعداد کلیدی داشبورد مدیریتی باشد.

آیا فروش ارزان‌تر برای پرکردن ظرفیت منطقی است؟

اینجا به یکی از تصمیم‌های دشوار مدیران تولید می‌رسیم. فرض

مردم باید بتوانند نتیجه را ببینند

مستقیماً پول توزیع کند، دیر یا زود با محدودیت مواجه خواهد شد. راه پایدارتر، ایجاد فرصت است.

دولت باید کاری کند که یک جوان بتواند با مهارت خود ارزش اقتصادی خلق کند. یک تولیدکننده کوچک بتواند رشد کند. یک کشاورز بتواند محصول خود را با ارزش افزوده بیشتر عرضه کند. یک کسبوکار خانوادگی بتواند به بازار بزرگ‌تر متصل شود. یک فناوری بتواند ایده خود را به محصول تبدیل کند. یک سرمایه‌گذار بتواند با اطمینان وارد یک پروژه مولد شود.

در چنین اقتصادی، دولت به جای اینکه دالماً در نقش توزیع‌کننده ظاهر شود، نقش طراح زمین بازی را ایفا می‌کند. وظیفه دولت این نیست که جای مردم اقتصاد را اداره کند. وظیفه دولت این است که شرایطی فراهم کند که مردم بتوانند اقتصاد را بهتر بسازند. اصلاح اقتصادی باید از سفرهٔ مردم آغاز شود، اما در همان‌جا متوقف نشود.

گاهی در سیاستگذاری اقتصادی، یک دگانه نادرست ایجاد می‌شود: یا باید به تولید فکر کنیم یا به معیشت مردم. این دو در بلندمدت مقابل یکدیگر نیستند. تولید قدرتمند، پشتوانهٔ معیشت پایدار است. اما یک نکتهٔ مهم وجود دارد: مردم نمی‌توانند سال‌ها منتظر بمانند تا اصلاحات ساختاری نتیجه بدهد. خانواده‌ای که امروز با فشار هزینه‌های زندگی مواجه است، نیازمند سیاست‌های حمایتی و اصلاحی در زمان حال نیز هست. بنابراین دولت باید هم‌زمان دو مسیر را دنبال کند:

مسیر نخست، کاهش فشارهای فوری بر خانوارهاست.

مسیر دوم، اصلاح ساختارهایی است که این فشار را دائماً بازتولید می‌کنند.

اگر فقط به مسیر اول پرداخته شود، دولت دائماً مجبور خواهد بود منابع بیشتری برای جبران پیامدهای مشکلات اقتصادی اختصاص دهد. و اگر فقط به مسیر دوم توجه شود و فشار فعلی مردم نادیده گرفته شود، هزینهٔ اجتماعی اصلاحات افزایش خواهد یافت.

حکمرانی اقتصادی موفق باید میان این دو تعادل برقرار کند. مسألهٔ اصلی فقط تحریم نیست؛ مسأله، کیفیت مدیریت اقتصاد نیز هست.

در پیام رهبر معظم انقلاب، نقش دشمن و تحریم‌ها نادیده گرفته نشده است. اما نکته بسیار مهم این است که مشکلات اقتصادی کشور نباید به گونه‌ای روایت شوند که همه مسئولیت مدیریت داخلی از دوش سیاستگذار برداشته شود. تحریم واقعیت است. جنگ اقتصادی واقعیت است. محدودیت‌های خارجی واقعیت است. اما نحوهٔ مدیریت این محدودیت‌ها نیز واقعیت دیگری است. یک اقتصاد می‌تواند در برابر یک شوک خارجی آسیب‌پذیرتر یا مقاوم‌تر باشد.

اگر ساختار تولید قوی باشد، اگر زنجیره تأمین متنوع باشد، اگر ذخایر و زیرساخت‌های مناسب وجود داشته باشد، اگر تصمیم‌گیری اقتصادی سریع و هوشمند باشد و اگر مردم و بخش خصوصی به سیاستگذار اعتماد داشته باشند، اثر شوک خارجی کاهش می‌یابد. پس اقتصاد مقاومتی دقیقاً از همین‌جا معنا پیدا می‌کند. اقتصاد مقاومتی یعنی کاهش آسیب‌پذیری؛ و کاهش آسیب‌پذیری، بدون اصلاح ساختارهای داخلی ممکن نیست. دولت باید جرات تغییر روش داشته باشد و این تغییر روش از دروازهٔ شایسته‌سالاری می‌گذرد که اصلاً و ابداً به مدرک‌گرایی صرف بستگی ندارد.

شاید مهم‌ترین مطالبه‌ای که می‌توان از پیام هفتهٔ دولت استخراج کرد، همین باشد: در شرایط جدید، روش‌های قدیمی را نمی‌توان با شدت بیشتری تکرار کرد و انتظار نتیجه متفاوت داشت. اگر ترم وجود دارد، باید علتهای آن بررسی شود. اگر سرمایه‌گذاری کاهش یافته، باید موانع آن شناسایی شود. اگر تولیدکننده مشکل دارد، باید زنجیرهٔ تولید بررسی شود. اگر قیمت کالا افزایش می‌یابد، باید مسیر کالا از تولید تا مصرف بررسی شود. اگر مردم قدرت خرید خود را از دست می‌دهند، باید نسبت میان درآمد و هزینهٔ زندگی بررسی شود. اگر سرمایه به سمت فعالیت‌های غیرمولد می‌رود، باید علت اقتصادی آن فهمیده شود. اگر واردات به تولید داخلی آسیب می‌زند، باید سیاست تجاری اصلاح شود. اگر تولید داخلی به نهادهای نیاز دارد که در کشور به اندازهٔ کافی وجود ندارد، باید واردات هدفمند و هوشمندانه انجام شود.

این یعنی دولت باید از «واکنش به مسئله» به «طراحی مسئله» حرکت کند. دولت نباید فقط واردی وارد عمل شود که قیمت بالا رفته است. باید پیش از آن، زنجیره‌ای را که به افزایش قیمت منجر می‌شود اصلاح کند. نباید فقط زمانی به فکر تولیدکننده باشد که تولیدکننده تعطیل کرده است. باید محیطی بسازد که تولیدکننده پیش از رسیدن به نقطه بحران بتواند تصمیم بگیرد و رشد کند. نباید فقط زمانی به فکر اشتغال جوانان باشد که آمار بیکاری منتشر می‌شود. باید از ابتدا سیاست صنعتی، آموزشی و سرمایه‌گذاری را به هم متصل کند. مردم حق دارند نتیجهٔ اصلاحات را ببینند.

اصلاح اقتصادی اگر فقط در جلسات کارشناسی باقی بماند، برای مردم معنایی ندارد. مردم باید بتوانند نتیجه را ببینند. باید بتوانند بگویند قیمت‌ها قابل پیش‌بینی‌تر شده است. باید بتوانند بگویند پینا کردن شغل آسان‌تر شده است. باید بتوانند بگویند کسبوکار کوچک‌ما امکان رشد پیدا کرده است. باید بتوانند بگویند تولیدکننده‌ای که کالای مورد نیاز کشور را تولید می‌کند، دیگر درگیر موانع غیرضروری نیست. باید بتوانند بگویند دولت به جای اینکه فقط در زمان بحران وارد بازار شود، از ابتدا برای جلوگیری از بحران برنامه‌مصلوئی است. این همان معنای «حس کردن خدمت» است. خدمت‌رسانی واقعی است که از سطح گزارش‌های اداری عبور کند و وارد تجربه روزمره مردم شود. دولت باید پاسخ دهد، دقیقاً چه چیزی قرار است تغییر کند؟ پیام رهبر معظم انقلاب، مسائل مهم اقتصادی را به روشنی در برابر دولت قرار داده است.

اکنون پرسش مهم این نیست که آیا دولت با این مسائل موافق است یا خیر.

طبیعی است که همه با کنترل تورم، رونق تولید، افزایش سرمایه‌گذاری و بهبود معیشت مردم موافق باشند.

پرسش مهم‌تر این است که روش رسیدن به این اهداف چیست؟

دولت باید بتواند برای مردم توضیح دهد که برای کاهش تورم چه اصلاحاتی انجام خواهد داد.

ادامه از صفحه ۴

نمی‌توان از یک سو شعار رونق تولید داد و از سوی دیگر تولیدکننده را با مجموعه‌ای از موانع غیرضروری مواجه کرد. تولیدکننده به ثبات نیاز دارد. ثبات مقررات، ثبات نسبی هزینه‌ها، دسترسی به سرمایه، دسترسی به مواد اولیه، بازار قابل پیش‌بینی، زیرساخت مناسب، نیروی انسانی توانمند و مهم‌تر از همه، اطمینان از اینکه تصمیم امروز دولت فردا کسبوکار او را غافلگیر نمی‌کند.

سرمایه‌گذاری زمانی اتفاق می‌افتد که افق آینده قابل تصور باشد. اگر یک کارآفرین نداند قوانین، تعرفه‌ها، نرخ‌های مالیاتی، سیاست ارزی، محدودیت‌های وارداتی و شرایط تأمین مواد اولیه در ماه‌های آینده چگونه خواهد بود، طبیعی است که برای سرمایه‌گذاری بلندمدت احتیاط کند. در چنین شرایطی، مشکل فقط کمبود سرمایه نیست، مشکل، بی‌اعتمادی سرمایه به محیط اقتصادی است. بنابراین اگر دولت واقعاً به دنبال افزایش سرمایه‌گذاری است، باید پیش از آنکه از سرمایه‌گذار بخواهد پول خود را وارد تولید کند، محیطی بسازد که سرمایه‌گذار از آینده ترسد.

سرمایه باید به سمت تولید هدایت شود، نه اینکه صرفاً حفظ شود. یکی از نکات مهم پیام، هدایت سرمایه‌گذاری به سمت مفید و مورد نیاز است. این گزاره از نظر سیاستگذاری اقتصادی بسیار مهم است. در یک اقتصاد سالم، سرمایه باید به سمت جایی برود که بیشترین ارزش اقتصادی و اجتماعی را ایجاد می‌کند. اما وقتی با زده‌فعالیت‌های غیرمولد از تولید بیشتر شود، سرمایه‌گذار نیز مطابق منطق اقتصادی خود رفتار می‌کند.

نمی‌توان از سرمایه‌گذار انتظار داشت برخلاف انگیزه‌های اقتصادی حرکت کند. اگر فعالیتی سود بیشتری را ریسک کمتر ایجاد کند، سرمایه به سمت آن می‌رود. پس اگر دولت می‌خواهد سرمایه به سمت تولید برود، باید اقتصاد تولید را جذاب‌تر کند. این جذابیت با شعار ایجاد نمی‌شود. باید ریسک تولید کاهش یابد. باید فرآیند دریافت مجوزها ساده‌تر شود. باید تأمین مالی قابل دسترس‌تر شود. باید مالیات‌ستانی هوشمند و متصفانه باشد. باید تولیدکننده دقیق فهمیده شود. اقتصاد مقاومتی به معنای بسدن درهای اقتصاد نیست. در خود پیام نیز به روشنی بر ضرورت استفاده صحیح از واردات در مواردی که تولید داخلی به حد کافی وجود ندارد تأکید شده است. این نکته بسیار مهم است.

و در مقابل، فعالیت‌های صرفاً سوداگرانه نباید به شکلی سازمان‌یافته جذاب‌تر از تولید باشند. اگر تولید سخت‌تر از سوداگری باشد، نمی‌توان انتظار داشت سرمایه به سمت تولید حرکت کند. اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصاد توانمند، نه اقتصاد منزوی. اقتصاد مقاومتی نیز باید دقیق فهمیده شود. اقتصاد مقاومتی به معنای بستن درهای اقتصاد نیست. در خود پیام نیز به روشنی بر ضرورت استفاده صحیح از واردات در مواردی که تولید داخلی به حد کافی وجود ندارد تأکید شده است. این نکته بسیار مهم است.

کشوری که می‌خواهد قدرتمند باشد، باید هم توان تولید داخلی داشته باشد و هم بتواند در تعامل هوشمندانه با اقتصاد جهانی، نیازهای خود را تأمین کند. هدف، جایگزین کردن واردات با تولید داخلی در هر شرایطی نیست. هدف این است که کشور در کالاها و فناوری‌های حیاتی، تا حد امکان وابستگی شکننده نداشته باشد و در عین حال از تجارت خارجی برای تکمیل ظرفیت‌های داخلی استفاده کند. واردات زمانی خطرناک می‌شود که تولید داخلی را نابود کند. و زمانی مفید است که کمبود داخلی را جبران، رقابت ایجاد و فناوری و نهاده مورد نیاز تولید را تأمین کند.

بنابراین مسئله اصلی، واردات با عدم واردات نیست. مسأله، حکمرانی هوشمندانه بر واردات است. دولت باید بداند چه چیزی وارد نشود، چه زمانی وارد شود، با چه تعرفه‌ای وارد شود و ورود آن چه اثری بر تولیدکننده و مصرف‌کننده داخلی خواهد داشت. این یعنی سیاست تجاری باید بخشی از سیاست صنعتی کشور باشد. حمایت از تولید نباید به حمایت از ناکارآمدی تبدیل شود.

در اینجا یک نکتهٔ مهم دیگر وجود دارد: تولید داخلی باید حمایت شود، اما حمایت از تولید داخلی نباید به معنای حمایت بی‌قیدوشرط از هر تولیدکننده‌ای باشد. حمایت واقعی از تولید، حمایت از تولید رقابت‌پذیر، بهتر دور، نوآور و پاسخ‌گو به نیاز مردم است. مصرف‌کننده ایرانی نیز حق دارد کالای باکیفیت و قیمت منطقی دریافت کند. نمی‌توان به نام حمایت از تولید داخلی، مصرف‌کننده را مجبور کرد کالای گران‌تر یا بی‌کیفیت‌تر خریداری کند.

سیاست درست این است که دولت شرایطی ایجاد کند که تولیدکنندهٔ ایرانی بتواند با افزایش بهره‌وری، کیفیت و نوآوری، سهم بیشتری از بازار را به دست آورد. تولیدکننده باید بداند حمایت دولت یک چتر دلمی برای ناکارآمدی نیست؛ بلکه فرصتی برای توانمند شدن است. این تفاوت میان «حمایت» و «ارت» است. حمایت باید به ارتقای ظرفیت منجر شود، نه به ایجاد گروه‌هایی که برای همیشه از رقابت مصون بمانند.

مردم فقط مصرف‌کننده نیستند؛ بخشی از راحل‌اند. یکی از ظرفیت‌ترین نکات پیام، اشاره به یاری جستن از آحاد مردم و همچنین متخصصان و فناوران است. این نگاه باید جدی گرفته شود. مردم نباید فقط مخاطب سیاست‌های اقتصادی باشند. آنها می‌توانند بخشی از ظرفیت حل مسائل اقتصادی کشور باشند. در محله‌ها، شهرها و روستاها، هزاران مهارت، تجربه و ظرفیت اقتصادی وجود دارد که در آمارهای رسمی دیده نمی‌شود: یک نفر مهارت فنی دارد. دیگری تجربهٔ فروش دارد. فردی می‌تواند محصولی تولید کند. شخص دیگری شبکه توزیع محلی دارد. گروهی می‌تواند یک کسبوکار کوچک را راه‌اندازی کنند. بسیاری از این ظرفیت‌ها فقط به یک چیز نیاز دارند: اتصال به بازار، آموزش، دسترسی به منابع و حذف موانع ژانده اقتصاد کشور. فقط از کارخانه‌های بزرگ ساخته نمی‌شود. اقتصاد از میلیون‌ها تصمیم کوچک مردم ساخته می‌شود. اگر دولت بتواند همین ظرفیت‌های کوچک را فعال کند، اثر تجمعی آنها می‌تواند بسیار بزرگ باشد. از این منظر، سیاست اقتصادی باید از مرکز کشور و ساختمان‌های دولتی فراتر برود و به شهرها، محله‌ها، روستاها و بنگاه‌های کوچک برسد.

دولست یاد از «توزیع منابع» به «خلق فرصت» حرکت کنند. یکی از خطاهای رایج در سیاستگذاری اقتصادی این است که تصور شود هر مشکل اقتصادی را می‌توان با تخصیص منابع حل کرد. اما منابع دولت محدود است. اگر قرار باشد دولت برای حل همه مسائل

برای رونق تولید چه موانعی را حذف خواهد کرد.

برای هدایت سرمایه چه تغییراتی در محیط اقتصادی ایجاد خواهد کرد.

برای مدیریت واردات چه سازوکاری خواهد داشت.

برای حمایت از تولیدکننده و هم‌زمان حفاظت از حقوق مصرف‌کننده چه خواهد کرد.

برای کاهش نقش دلال در اقتصاد چه برنامه عملیاتی دارد.

برای افزایش قدرت خرید مردم چه سیاستی را دنبال می‌کند.

و مهم‌تر از همه، چه شاخص‌هایی را در چه بازه زمانی دنبال خواهد کرد تا مشخص شود سیاست‌های اقتصادی واقعاً نتیجه داده‌اند. این همان نقطه‌ای است که مطالبه‌گری اقتصادی باید شکل بگیرد.

مطالبه‌گری به معنای تخریب دولت نیست.

اتفاقاً مطالبه‌گری دقیق، یکی از ابزارهای کمک به دولت برای اصلاح مسیر است. دولت قدرتمند از پرسش دقیق نمی‌ترسد. مردم به گزارش بیشتر نیاز ندارند؛ به تغییر بیشتر نیاز دارند. امروز جامعه بیش از آنکه به فهرست بلندبالای اقدامات نیاز داشته باشد، به مشاهده آثار اقدامات نیاز دارد. ساختن، افتتاح کردن، بخشنامه صادر کردن و جلسه برگزار کردن، به خودی خود هدف نیست. هدف، تغییر نتیجه است. اگر ده‌ها جلسه برای کنترل قیمت برگزار شود اما قیمت همچنان از توان خرید مردم فاصله بگیرد، مسئله حل نشده است. اگر طرح‌های متعددی برای حمایت از تولید اجرا شود اما بنگاه تولیدی همچنان با نااطمینانی، کمبود سرمایه در گردش و مشکلات زنجیره تأمین مواجه باشد، باید روش را اصلاح کرد. اگر برنامه‌های متعدد اشتغال اجرا شود اما جوان همچنان نتواند شغل پایدار پیدا کند، باید سیاست را دوباره بررسی کرد.

اقتصاد را نمی‌توان با حجم فعالیت‌های اداری سنجید. باید با نتیجه سنجید. اقتصاد ایران به یک قرارداد جدید میان دولت و مردم نیاز دارد. شاید بتوان پیام اقتصادی هفته دولت را به یک مفهوم بزرگ‌تر تبدیل کرد: نیاز به بازتعریف رابطه اقتصادی دولت و مردم. مردم از دولت انتظار ندارند که تمام مشکلات زندگی آنها را حل کند. اما انتظار دارند قواعد بازی عادلانه‌تر، باثبات‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر باشد. انتظار دارند اگر کار می‌کنند، نتیجه تلاششان در اثر تورم و بی‌ثباتی اقتصادی به‌سرعت از بین نرود. انتظار دارند اگر تولید می‌کنند، با موانع غیرضروری مواجه نباشند. انتظار دارند اگر سرمایه‌ای دارند، برای سرمایه‌گذاری مولد امنیت و چشم‌انداز وجود داشته باشد. انتظار دارند اگر کالایی خریداری می‌کنند، قیمت آن نتیجه یک بازار شفاف باشد، نه حاصل زنجیره‌ای از ناکارآمدی‌های پنهان. و انتظار دارند سیاستگذار پیش از آنکه بحران به خانه آنها برسد، آن را ببیند.

ایسن می‌تواند معنای یک قرارداد جدید اقتصادی باشد: دولت مسئول ایجاد محیط مناسب و مردم مسئول مشارکت. کار، تولید، نوآوری و مطالبه‌گری. از مردم باید کمک گرفت، نه فقط از مردم خواست تحمل کنند این شاید یکی از مهم‌ترین پیام‌هایی باشد که باید از مسئولان مطرح‌شده استخراج کرد. سال‌هاست در شرایط سخت اقتصادی از مردم خواسته می‌شود صبر کنند، صرفه‌جویی کنند، همراهی کنند و مشکلات را تحمل کنند. اما مردم فقط ظرفیت تحمل ندارند. آنها ظرفیت تولید دارند. ظرفیت نوآوری دارند. ظرفیت سرمایه‌گذاری دارند. ظرفیت ایجاد کسبوکار دارند. ظرفیت حل مسئله دارند. ظرفیت مشارکت اقتصادی دارند.

بنابراین رویکرد درست این نیست که مردم را فقط به عنوان جامعه‌ای که باید هزینه اصلاحات را تحمل کند ببینیم. مردم باید شریک اصلاح اقتصاد باشند. دولت باید به جای آنکه فقط از مردم انتظار همراهی داشته باشد، مسیر مشارکت اقتصادی آنان را باز کند. این تغییر نگاه می‌تواند یکی از مهم‌ترین پایه‌های اقتصاد مقاومتی باشد. ایران قوی از اقتصاد قوی

شهردار کلانشهر اراک:

بوستان آفتابگردان با اعتباری بالغ بر ۲۳ میلیارد تومان افتتاح شد



مهدی زندیه وکیل با اشاره به قرارگرفتن استان مرکزی در رتبه نخست کشور از نظر حجم پروژه‌های عمرانی هفته دولت،افزود: درشهرستان اراک پروژه‌های متعددی درحوزه‌های مختلف ازجمله مدیریت شهری، آبرسانی، برق‌رسانی، خدمات شهری و پروژه‌های دهیاری‌ها اجرا و به بهره‌برداری رسیده است.

بخشدار مرکزی اراک نیز ازنظر تعداد و حجم پروژه‌های اجراشده، رتبه دوم را درمیان بخشدارهای استان مرکزی به خود اختصاص داده است. وی بیان داشت: دره گردو با ظرفیت گسترده‌ای که دارد می‌تواند به مجموعه‌ای گردشگری و رستخیز ملی وحتى بین‌المللی تبدیل شود

در سطح حضور گردشگران، ایجاد فضاهای تفریحی، ورزشی و خدماتی را فراهم کند. زندیه وکیل با اشاره به ظرفیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در دره گردو افزود: امروز جذابیت لازم برای حضور سرمایه‌گذاران در این مجموعه ایجاد شده و باید با برنامه‌ریزی مناسب از این ظرفیت استفاده کرد تا پروژه‌های مختلف از جمله هتل، پارک آبی، رستوران و سایر مجموعه‌های گردشگری در این منطقه اجرا شود.

وی با تأکید براینکه دره گردو یک پروژه یک یا دو ساله نیست، خاطرنشان کرد: هرمدیری که مسئولیت می‌گیرد باید مانند یک دوی امدادی، مسیر طی‌شده را ادامه دهد تا در یک دوره چندساله بخش قابل توجهی از اهداف این طرح محقق شود.

۲۲ میلیارد تومان انجام شده است.

شهردار اراک ادامه داد: تجهیز سه خودروی ثبت تخلفات با دوربین، اجرای تقاطع‌های غیرهمسطح با اعتبار ۲ هزار ۲۰۰ میلیارد تومان، لوله‌گذاری خیابان امام موسی صدر و احداث بوستان آفتابگردان از دیگر پروژه‌های شهری است.

محمودی تأکید کرد: اجرای طرح‌های عمرانی به هتته دولت محدود نیست و مدیریت شهری، تکمیل پروژه‌های موجود و اجرای طرح‌های جدید و اثرگذار را دنبال می‌کند.

استاندار مرکزی نیز دراین مراسم بیان داشت: ازمجموع ۵۵۲ پروژه شهرستان، ۳۵ پروژه با اعتبار ۳۰۵ همت مربوط به شهرداری اراک است.



اخبار

جهش سه گانه آریاساسول در تولید، فروش و درآمد

پلیمر آریاساسول در مردادماه ۱۴۰۵ با ثبت یک جهش چشمگیر در سه شاخص کلیدی، تصویری امیدوار کننده از وضعیت عملیاتی خود ارائه داد. تولید، فروش و درآمد این شرکت پتروشیمی همزمان و به طور قابل توجهی نسبت به تیرماه بهبود یافتند.

یکی از مهم ترین نشانه های احیای این شرکت، افزایش قابل توجه حجم تولید در مردادماه است. آریاساسول در تیرماه ۵۰ هزار و ۳۵۸ تن محصول تولید کرده بود که این رقم در مرداد به ۶۸ هزار و ۶۵۸ تن رسید.

این جهش ۳۶ درصدی در تناژ تولید، مهم ترین دلیل بهبود کلی عملکرد شرکت در این ماه محسوب می شود. ماه های گذشته، محدودیت در دسترسی به زیرساخت ها و تامین پویلیتینی موجب شده بود که بسیاری از شرکت های فعال در منطقه، از جمله آریاساسول، نتوانند از ظرفیت کامل تولیدی خود استفاده کنند. بهبود این شرایط در مرداد توانست ظرفیت بالقوه شرکت را بار دیگر به حرکت دربیآورد.

رشد تولید به انباشت موجودی منجر نشد و سمت فروش نیز همراستا با تولید حرکت کرد. مقدار فروش شرکت از ۳۵ هزار و ۵۱۱ تن در تیرماه به ۵۴ هزار و ۸۶۷ تن در مردادماه افزایش یافت که رشدی نزدیک به ۵۵ درصد را در یک ماه نشان می دهد.

این همراهی تولید و فروش از نظر تحلیلی اهمیت دارد؛ چرا که صرف افزایش تولید بدون پوششی سمت تقاضا، نمی توانست سیگنال مثبتی تلقی شود. همزمانی این دو شاخص نشان می دهد که توانایی شرکت در عرضه محصولات به بازار هم در این ماه تقویت شده است.

درآمد پلیمر آریاساسول در تیرماه معادل ۴۶,۷۴۰,۵۳۳ میلیون ریال، حدود ۴,۶۷ همت بود. این رقم در مرداد به ۷۵,۵۵۲,۰۰۲ میلیون ریال، معادل ۷,۵۵ همت رسید و رشدی نزدیک به ۶۲ درصد را ثبت کرد.

آریاساسول در مردادماه ۱۴۰۴ موفق به تولید ۱۷۵ هزار و ۴۶۸ تن و فروش ۹۹ هزار و ۱۸۷ تن شده بود و درآمد شرکت در آن دوره ۵,۳۷ همت بوده است.

پلیمر آریاساسول در پنج ماه نخست سال ۱۴۰۵ مجموعا ۱۷۱ هزار و ۶۹۱ تن محصول تولید و ۱۳۱ هزار و ۱۹۳ تن به فروش رسانده است. درآمد انباشته شرکت در این دوره به ۱۸۶,۳۸۰,۲۹۹ میلیون ریال، معادل حدود ۱۸,۶۴ همت رسیده است.

در پنج ماهه مشابه سال گذشته، تولید ۸۰۵ هزار و ۲۷۵ تن، فروش ۴۸۰ هزار و ۵۶۶ تن و درآمد ۲۵,۵۲ همت بوده است. فاصله جمعیتی نسبت به سال قبل هنوز قابل توجه است اما ریشه آن در محدودیت های زیرساختی می باشد. از ابتدای سال نهمته است، نه در ضعف ذاتی ساختار تولیدی شرکت.

مدیرعامل آبیفا استان مرکزی خبر داد:

بهره‌برداری از ۶۱ پروژه آب و فاضلاب استان مرکزی در هفته دولت

اراک - فرمانز امیدئ، مدیرعامل آبیفا استان مرکزی از بهره‌برداری ۶۱ پروژه آب و فاضلاب استان مرکزی در هفته دولت خبر داد. سعید سرآبادانی، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان مرکزی، از بهره‌برداری ۶۱ پروژه تأمین و انتقال آب در بخش‌های شهری و روستایی استان همزمان با هفته دولت خبر داد و گفت: اجرای این طرح‌ها با هدف تقویت زیرساخت‌های آبرسانی، افزایش پایداری شبکه و ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی به شهروندان و روستاییان انجام شده است.

وی افزود: این پروژه‌ها در نقاط مختلف استان مرکزی اجرا شده و با بهره‌برداری از آن‌ها، ظرفیت تأمین و انتقال آب در مناطق مختلف افزایش می‌یابد. توسعه و بهسازی شبکه‌های آبرسانی، رفع مشکلات موجود و ایجاد زیرساخت‌های پایدار از جمله محورهای اصلی این طرح‌هاست که می‌تواند در تأمین مطمئن تر آب مورد نیاز مشترکان مؤثر باشد.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان مرکزی با اشاره به اهمیت تأمین پایدار آب، اظهار کرد: اجرای این پروژه‌ها بخشی از برنامه‌های شرکت برای ارتقای تاباآوری شبکه و بهبود خدمات‌رسانی در مناطق شهری و روستایی است و تلاش می‌شود با تکمیل طرح‌های پیش‌بینی‌شده، زیرساخت‌های آب استان متناسب با نیاز جمعیت و شرایط موجود توسعه پیدا کند. وی ادامه داد: در این بخش، ۱۴ حلقه چاه آب حفر و تجهیز شده که مجموع ظرفیت تأمین آن‌ها ۱۰۳ لیتر بر ثانیه است. همچنین ۲ باب ایستگاه پمپاژ آب با ظرفیت مجموع ۲۲ لیتر بر ثانیه احداث شده و ۸ کیلومتر خط انتقال آب، ۲۴ کیلومتر شبکه توزیع آب اصلاح و توسعه یافته است.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان مرکزی اعتبار هزینه‌شده برای اجرای پروژه‌های روستایی را یک هزار و ۲۲۸ میلیارد ریال اعلام کرد و افزود: اجرای این طرح‌ها نقش مهمی در ارتقای پایداری تأمین آب و بهبود کیفیت خدمات‌رسانی در روستاهای هدف خواهد داشت.

سرآبادانی با اشاره به پروژه‌های بخش شهری اظهار کرد: در این بخش ۱۶ پروژه برای بهره‌برداری در هفته دولت آماده شده که با اجرای آن‌ها، جمعیتی بالغ بر ۸۲۸ هزار و ۷۸۱ نفر از مزایای طرح‌ها بهره‌مند می‌شوند.

وی ادامه داد: در پروژه‌های شهری، ۱۲ حلقه چاه آب حفر و تجهیز شده که مجموع ظرفیت آن‌ها ۲۷۱ لیتر بر ثانیه است. همچنین ۱۳,۴ کیلومتر خط انتقال آب به همراه ۶,۸ کیلومتر خط انتقال دیگر، ۵ کیلومتر شبکه توزیع آب، یک باب مخزن ذخیره با ظرفیت ۵۰۰ مترمکعب و ۹ باب ایستگاه پمپاژ آب با ظرفیت مجموع ۲۳۵ لیتر بر ثانیه احداث و اجرا شده است.

سرآبادانی اعتبار اجرای پروژه‌های شهری را ۲۱۲ میلیارد ریال عنوان کرد و ادامه داد: مجموعه این اقدامات در راستای افزایش ظرفیت تأمین و انتقال آب، تقویت زیرساخت‌های شبکه و ارتقای تاباآوری تأسیسات آبرسانی استان در برابر تنش آبی انجام شده است.

احداث شهرک تخصصی انرژی خورشیدی در اشتهارد: هدف‌گذاری تولید ۵۰۰ مگاوات برق

کرج – ایاصلت عابد: مدیرعامل و رئیس هیئتمدیره شرکت شهرک‌های صنعتی استان البرز از برنامه‌ریزی برای ایجاد شهرک تخصصی انرژی خورشیدی در اطراف شهرک صنعتی اشتهارد خبر داد و گفت: با اجرای این طرح در سطح ۸۲۰ هکتار، هدف‌گذاری شده طی سه سال آینده حدود ۵۰۰ مگاوات برق از انرژی خورشیدی وارد مدار شود.

به گزارش روابط عمومی شرکت شهرک‌های صنعتی استان البرز علی مهدی‌پور، مدیرعامل و رئیس هیئتمدیره شرکت شهرک‌های صنعتی استان البرز، در جمع خبرنگاران با اشاره به نقش مزارع خورشیدی در تأمین برق شهرک‌ها در صنعتی اظهار کرد: وجود مزارع خورشیدی در اطراف شهرک‌های صنعتی استان موجب شده برخی شهرک‌ها در تابستان با خاموشی‌های کمتری مواجه نباشند.

وی افزود: در شهرک‌های صنعتی کوثر و امید البرز، با توجه به وجود مزارع خورشیدی در اطراف این شهرک‌ها، خاموشی برق در تابستان بسیار محدود بوده و قطعی‌ها به ریز روز در هفته و در ساعات بعدازظهر و شب محدود شده است.

مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی استان البرز ادامه داد: در همین راستا، پروژه ایجاد یک شهرک تخصصی انرژی خورشیدی در اطراف شهرک صنعتی اشتهارد در دستور کار قرار گرفته است.

مهدی‌پور تصریح کرد: امیدواریم این پروژه طی سه سال آینده در مساحتی حدود ۸۲۰ هکتار عملیاتی شود و با بهره‌برداری از ظرفیت‌های ایجادشده، حدود ۵۰۰ مگاوات برق از طریق انرژی خورشیدی وارد مدار شود.

وی خاطرنشان کرد: توسعه مزارع خورشیدی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش خاموشی واحدهای صنعتی داشته باشد و امیدواریم با اجرای این طرح، شهرک صنعتی اشتهارد نیز در آینده با مشکل قطعی برق مواجه نباشد. مهدی‌پور تأکید کرد: تجربه شهرک‌های صنعتی اشتهارد نشان داده است که توسعه انرژی خورشیدی در اطراف شهرک‌های صنعتی می‌تواند به کاهش خاموشی‌ها و پایداری بیشتر برق واحدهای تولیدی کمک کند.

همزمان با هفته دولت:

آئین افتتاح و کلنگ‌زنی پروژه های راهسازی توسط شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان برگزار شد

همزمان با هفته دولت، آئین افتتاح و کلنگ‌زنی پروژه های عام المنفعه راهسازی توسط شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان، با حضور دکتر رضا جباری نماینده مردم مسجدسلیمان، لالی، هفتکل و اندیکا در مجلس شورای اسلامی،مهندس شهرام ذوالفقاری مدیرعامل شرکت، جاوید شیخ فرماندار مسجدسلیمان و جمعی از مسئولان شهرستان برگزار شد.

در این مراسم، عملیات تکمیلی احداث قطعه دوم جاده کمربندی مسجدسلیمان تا مرحله پهن‌سازی، کلنگ‌زنی شد. این پروژه با نظارت مدیریت مهندسی و ساختمان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان شد. در مدت زمان ۱۸ ماه اجرا خواهد شد. در ادامه، پروژه‌های بهسازی جاده دسترسی به شهر عنبر به طول ۱۰ کیلومتر، بهسازی جاده دسترسی حد فاصل سهرای هفت شهیدان تا روستای سلیران و روستاهای چاجو علیا و سفلی به طول ۱۶ کیلومتر و همچنین بهسازی جاده دسترسی به روستای آبژلو عرب به طول یک کیلومتر به بهره‌برداری رسید.

همچنین پروژه بهسازی مسیر دسترسی به میدان نفتی هفتکل در حدفاصل تل تمبی تا پل سی‌مایی نیز افتتاح شد. این مسیر به طول ۲/۲۲ کیلومتر و عرض ۷.۵ متر، بهسازی و روکش آسفالت شده است.

قهرمانی تکواندوکار نفت مسجدسلیمان در مسابقات استعدادهای برتر خوزستان

انیس صیدپور، تکواندوکار تیم نفت مسجدسلیمان، در مسابقات قهرمانی استعدادهای برتر استان خوزستان موفق به کسب مقام قهرمانی و مدال طلای این رقابت‌ها شد.

مسابقات قهرمانی استعدادهای برتر استان خوزستان به میزبانی اهواز و در رده سنی نوجوانان برگزار شد و روزشکارتانی از شهرستان‌های مختلف استان خوزستان در آن به رقابت پرداختند.

انیس صیدپور، تکواندوکار نفت مسجدسلیمان، در وزن ۷۰ دان و ۳ با کسب عنوان قهرمانی، مدال طلای این مسابقات را از آن خود کرد.

بنا اساس این گزارش، نفرات برتر این رقابت‌ها به لیگ انتخابی استعدادهای برتر کشور اعزام خواهند شد.

صیدپور از ورزشکاران پرافتخار تیم نفت مسجدسلیمان است و در کارنامه ورزشی خود عناوینی همچون قهرمانی استان، مقام نخست مسابقات چند جانبه استان بوشهر، مقام نخست مسابقات هانمادانگ و کسب رتکنیگ در مسابقات انفرادی لیگ برتر کشوری در سال ۱۴۰۵ را دارد.

کرج – ایاصلت عابد: معاون صنایع کوچک شرکت شهرک‌های صنعتی کشور با تشریح برنامه‌های حمایتی این سازمان از واحدهای صنعتی گفت: ۲ هزار و ۳۴۶ واحد صنعتی مستعد دانش‌بنیان شدن در کشور شناسایی شده که تاکنون یک هزار و ۳۴۹ واحد با حمایت‌های انجام‌شده دانش‌بنیان شده‌اند.

به گزارش روابط عمومی شرکت شهرک‌های صنعتی استان البرز رضا غلامی اوریمی، معاون صنایع کوچک سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی کشور در جمع خبرنگاران با اشاره به مأموریت‌های این سازمان اظهار کرد: سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران به عنوان یک سازمان حمایتی، دو مأموریت اصلی شامل ایجاد زیرساخت‌های سخت‌افزاری و ارائه خدمات نرم‌افزاری به واحدهای صنعتی مستقر در شهرک‌ها را دنبال می‌کند.

وی افزود: سالانه حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد تومان برای حمایت از صنایع کوچک در کشور هزینه می‌شود که بخشی قابل توجهی از این حمایت‌ها در حوزه خدمات نرم‌افزاری، فناوری، آموزش، توسعه بازار و رفع مشکلات واحدهای صنعتی اختصاص دارد.

غلامی اوریمی با اشاره به فعالیت دفتر توسعه صنعتی و فناوری این سازمان گفت: ایجاد و توسعه خوشه‌های صنعتی یکی از محورهای مهم فعالیت این دفتر است و تاکنون ۱۴۰ خوشه صنعتی در کشور شناسایی و خاتمه‌یافته و ۵۲ پروژه خوشه صنعتی نیز در حال اجراست.

معاون صنایع کوچک شرکت شهرک‌های صنعتی کشور ادامه داد: در استان البرز نیز ۲۱ خوشه صنعتی شناسایی شده که سه خوشه به مرحله خاتمه رسیده و یکی از آنها در حوزه صنایع غذایی، دارویی و بهداشتی فعالیت دارد.

وی تصریح کرد: در این خوشه حدود ۲۶۰ واحد صنعتی فعالیت دارند که ۷۴ درصد آنها در حوزه تولید مواد اولیه و ۱۹ شرکت نیز در زمینه بازاریابی و فروش فعالیت می‌کنند.



غلامی اوریمی با بیان اینکه حمایت از فناوری و دانش‌بنیان شدن واحدهای صنعتی از برنامه‌های جدی این سازمان است، گفت: در کشور ۲ هزار و ۳۴۶ واحد صنعتی مستعد دانش‌بنیان شدن شناسایی شده که با حمایت‌های صورت گرفته، یک هزار و ۳۴۹ واحد صنعتی به جمع شرکت‌های دانش‌بنیان پیوسته‌اند.

وی افزود: همچنین با همکاری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، ظرفیت استفاده واحدهای صنعتی از اعتبار مالیاتی برای فعالیت‌های تحقیق و توسعه فراهم شده و واحدهای صنعتی می‌توانند تا پایان شهریورماه نسبت به ثبت درخواست خود اقدام کنند.

معاون صنایع کوچک شرکت شهرک‌های صنعتی کشور از برنامه‌ریزی برای افزایش ظرفیت تولید واحدهای صنعتی خبر داد و گفت: حدود ۱۶ هزار واحد صنعتی در کشور با کمتر از ظرفیت اسمی خود فعالیت می‌کنند و برنامه‌ریزی کرده‌ایم با ارائه حمایت‌های لازم، زمینه افزایش ظرفیت تولید این واحدها فراهم شود. غلامی اوریمی همچنین احیای واحدهای راکد و نیمه‌فعال را از

همزمان با گرامی‌داشت هفته دولت انجام گرفت:

حضور کارکنان بسیجی منطقه آذربایجان شرقی در تجمع بزرگ اقتدار ملی در تبریز

عملیاتی با شرکت سازمان‌های ذریبط در انبار نفت شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی ناحیه ویژه میانه انجام شد.

احد فایقی ارجمند معاون فنی و عملیاتی منطقه، با بیان اهمیت ارتقای آمادگی و توان امدادی و عملیاتی در شرایط بحرانی گفت: مانور واکنش در شرایط اضطراری با مشارکت و تعامل پرسنل عملیاتی ناحیه ویژه میانه و سازمان‌های آتش نشانی شهر، اورژانس، هلال احمر، شرکت گاز شهرستان، خط‌وط لوله و مخابرات نفت، نیروی انتظامی، می‌تواند آج اس ای منطقه زنجان در انبار نفت شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی برگزار شد.

فایقی در ادامه افزود: این مانور در پی عملیاتی خرابکاری فرضی و ایجاد حریق در بارگیری انبار نفت ناحیه و با اقدام به موقف در اطفای حریق فرضی و انتقال مدمومان حادثه پس از اقدامات اولیه به نزدیکترین مرکز درمانی با موفقیت انجام شد.

در پایان مانور با برگزاری جلسه جمعبدنی نقاط ضعف و قوت مانور مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. معاون فنی و عملیاتی منطقه، با قدردانی از تلاش‌های هادی رنجبر رئیس ناحیه ویژه میانه و سازمان‌های عمل کننده، برگزاری این مانورها را در پایداری سوخت رسانی مؤثر دانست.



شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی منطقه آذایبایجان شرقی بعنوان فرمانده پایگاه مقاومت بسیج شهید رجایی منطقه آذربایجان شرقی قدرانی شد. برگزاری مانور واکنش در شرایط اضطراری در انبار نفت شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی ناحیه ویژه میانه

مانور واکنش در شرایط اضطراری و بحران با هدف ارتقای آمادگی و توان

رئیس اداره دارو و درمان اداره کل دامپزشکی استان مرکزی خبر داد:

تولید ۴۰۶ قلم دارو و مکمل دامپزشکی در ۳۱ واحد استان مرکزی

محصولات در سال جاری نیز ادامه یافت و از ابتدای سال تاکنون، ۵۰ تن انواع داروی دامپزشکی تولیدشده در استان به مقاصد صادراتی ارسال شده است. شائقی، نظارت تخصصی را یکی از الزامات تضمین کیفیت، اثربخشی و ایمنی محصولات دامپزشکی دانست و گفت: تولید دارو، مکمل و به‌ویژه فراورده‌های بیولوژیک دامپزشکی باید صرفا در واحدهای دارای مجوز، مطابق ضوابط سازمان دامپزشکی کشور و زیر نظارت‌های فنی و قانونی انجام شود. وی تأکید کرد: تولید فراورده‌های بیولوژیک خارج از چرخه رسمی و بدون نظارت دامپزشکی می‌تواند سلامت جمعیت دامی، بهداشت عمومی و امنیت زیستی کشور را با مخاطره مواجه کند؛ بنابراین، رعایت استانداردهای تولید و کنترل مستمر کیفیت این محصولات ضروری است. شائقی خاطرنشان کرد: اداره‌کل دامپزشکی استان مرکزی با رصد فعالیت واحدهای تولیدی، ارزیابی انطباق محصولات با ضوابط و پیگیری فرایندهای صدور مجوز، برای تضمین کیفیت تولیدات، تأمین نیاز داخلی و توسعه صادرات محصولات دامپزشکی اقدام می‌کند.



قانونی و کنترل‌های تخصصی، به خارج از کشور صادر شد. رئیس اداره دارو و درمان اداره‌کل دامپزشکی استان مرکزی تصریح کرد: روند صادرات این

مدیرعامل شهرک‌های صنعتی البرز: تلاش کرده‌ایم تعدیل نیرو در واحدهای صنعتی به حداقل برسد

هستند و این شهرک در حوزه‌های مختلف صنعتی از جمله صنایع آرایشی و بهداشتی، دارویی، تجهیزات پزشکی، صنایع غذایی و شیمیایی از قطب‌های مهم کشور محسوب می شود.

وی در ادامه با اشاره به موضوع حفظ اشتغال در واحدهای صنعتی استان تصریح کرد: یکی از اولویت‌های ما در استان البرز این بوده که تا حد امکان از تعدیل نیرو جلوگیری شود و واحدهای تولیدی بتوانند نیروهای خود را حفظ کنند. مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی البرز با اشاره به بازدیدی از یکی از واحدهای تولیدی استان گفت: در مقطعی از یک واحد صنعتی بازدید کردیم که عملا تولید نداشت و کارخانه فعالیت نمی‌کرد. با وجود مشکلاتی که این مجموعه با آن مواجه بود، از مدیران آن خواستیم فعالیت تولیدی خود را از سر بگیرند. مهدی‌پور خاطرنشان کرد: این واحد صنعتی با وجود از دست دادن بخشی از بازار خود، نیروهایش را حفظ کرد و از این بابت باید از مدیران واحدهای تولیدی که در شرایط دشوار اقتصادی برای حفظ اشتغال تلاش می‌کنند، قدردانی کرد. وی تأکید کرد: در استان البرز تلاش شده است تا جایی که امکان دارد تعدیل نیرو در واحدهای صنعتی اتفاق نیفتد و حفظ اشتغال موجود در کنار حمایت از تولید، مورد توجه جدی قرار گیرد.



بیش از ۷۵ درصد است که از این منظر، البرز رتبه نخست کشور را به خود اختصاص داده است.

مهدی‌پور با اشاره به استقرار صنایع و برندهای مطرح در شهرک‌های صنعتی البرز گفت: در شهرک صنعتی اشتهارد بیش از ۲۰ برند ملی فعال



مهم تولیدی منطقه هستند و حفاظت و حراست از این ظرفیت ها همزمان از اولویت های اصلی حوزه حراست می باشد. محمود نصیری، مدیرعامل شرکت

